۶

حزب ملل اسلامی



با حضور

سید محمد کاظم بجنوردی
حجت‌الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی
ابراهیم ذوالفقاری
ابوالقاسم سرحدی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحیم

نشست تخصصی حزب ملل اسلامی مجموعه سخنرانی ها و ضمایم

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نشست تخصصی حزب ملل اسلامی مجموعه سخنرانی ها و ضمایم

مشخصات کتاب

سرشناسه : نشست تخصصی موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (ششمین: ۱۳۸۴: تهران)

عنوان و نام پدیدآور : نشست تخصصی حزب ملل اسلامی مجموعه سخنرانی ها و ضمایم/ سخنرانان محمدکاظم موسوی بجنوردی... [و دیگران].

مشخصات نشر : تهران : موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی: موزه عبرت ایران، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۰۰ ص. [۹] ص. تصویر، نمونه.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۵۶۴۵-۶۷-۰:

موضوع : حزب ملل اسلامی -- کنگره ها.

شناسه افزوده : موسوی بجنوردی، محمدکاظم ، ۱۳۲۱-

شناسه افزوده : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

شناسه افزوده : موزه عبرت ایران

رده بندی کنگره : DSR۱۵۴۳/م ۷ ن ۵ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۴۲۳۹۴

ص:۱

اشاره

نشست تخصصی

حزب ملل اسلامی

مجموعه سخنرانی ها

و

ضمایم

سخنرانان

سید محمدکاظم موسوی بجنوردی

حج ت الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی

ابوالقاسم سرحدی زاده

ابراهیم ذوالفقاری

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

بهار ۱۳۸۵

ص:۳

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

حزب ملل اسلامی

چاپ اول : بهار ۱۳۸۵

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

شابک : ۰ ۶۷ ۵۶۴۵ ۹۶۴

ISBN:۹۶۴-۵۶۴۵-۶۷-۰

قیمت : ۱۰۰۰ تومان

تهران : صندوق پستی ۳۳۳ ۱۹۶۱۵

E-mail:info @ ir-psri . com

ص:۴

فهرست مطالب

اشاره

ششمین نشست تخصصی مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی به «حزب ملل اسلامی» اختصاص یافت. این نشست با مشارکت «موزه عبرت ایران» و در سالن اجتماعات این موزه، روز یک شنبه هفده مهر ۱۳۸۴- چهارم رمضان - برگزار شد.

موزه عبرت ایران در سال ۱۳۸۲ در محل کمیته مشترک ضد خرابکاری «ساواک» برای نگهداری میراث معنوی دوران مبارزات علیه حکومت پهلوی تأسیس شده است. برای اعضای حزب ملل و مخاطبین برنامه که از شکنجه های اعمال شده بر زندانیان سیاسی دوران پهلوی دوم و اعضای حزب ملل اسلامی در محل کمیته مشترک ضد خرابکای می شنیدند بسیار جالب می نمود.

در سال ۲۰۰۴ م. شورای بین المللی موزه ها، خاطرات زندانیان را «میراث غیر ملموس» نام نهاد؛ خاطرات اعضای حزب ملل اسلامی از این دست میراث غیر ملموس بوده و موزه عبرت ایران که در نوع خود بی نظیر است، گام مؤثری در معرفی این حزب برداشته است.

در این برنامه که بیشتر سمت و سوی بیان خاطرات یافت و یادی از مبارزان و شهیدان دوران قیام مردم مسلمان علیه حکومت پهلوی به میان آمد، چهار سخنرانی انجام شد.

سخنران اول، آقای دکتر سید محمد کاظم بجنوردی، رییس بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی و بنیانگذار حزب ملل اسلامی بود که حکم اعدامش در سال ۱۳۴۴ با یک درجه تخفیف به حبس ابد تقلیل یافت. وی از اهداف بنیانگذاران حزب سخن گفت.

ص:۷

اشاره

ششمین نشست تخصصی مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی به «حزب ملل اسلامی» اختصاص یافت. این نشست با مشارکت «موزه عبرت ایران» و در سالن اجتماعات این موزه، روز یک شنبه هفده مهر ۱۳۸۴- چهارم رمضان - برگزار شد.

موزه عبرت ایران در سال ۱۳۸۲ در محل کمیته مشترک ضد خرابکاری «ساواک» برای نگهداری میراث معنوی دوران مبارزات علیه حکومت پهلوی تأسیس شده است. برای اعضای حزب ملل و مخاطبین برنامه که از شکنجه های اعمال شده بر زندانیان سیاسی دوران پهلوی دوم و اعضای حزب ملل اسلامی در محل کمیته مشترک ضد خرابکای می شنیدند بسیار جالب می نمود.

در سال ۲۰۰۴ م. شورای بین المللی موزه ها، خاطرات زندانیان را «میراث غیر ملموس» نام نهاد؛ خاطرات اعضای حزب ملل اسلامی از این دست میراث غیر ملموس بوده و موزه عبرت ایران که در نوع خود بی نظیر است، گام مؤثری در معرفی این حزب برداشته است.

در این برنامه که بیشتر سمت و سوی بیان خاطرات یافت و یادی از مبارزان و شهیدان دوران قیام مردم مسلمان علیه حکومت پهلوی به میان آمد، چهار سخنرانی انجام شد.

سخنران اول، آقای دکتر سید محمد کاظم بجنوردی، رییس بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی و بنیانگذار حزب ملل اسلامی بود که حکم اعدامش در سال ۱۳۴۴ با یک درجه تخفیف به حبس ابد تقلیل یافت. وی از اهداف بنیانگذاران حزب سخن گفت.

سخنران دوم، حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد حجتی کرمانی، روحانی مبارز، که چند دوره نیز نمایندگی مجلس شورای اسلامی را در کارنامه فعالیت خود دارد و از اعضای حزب ملل اسلامی، بود. وی یادی از دوران زندان خود و همراهانش داشت.

سخنران سوم، ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر کار اسبق جمهوری اسلامی ایران بود که از عضویتش در حزب ملل اسلامی و نحوه بازداشت و زندان مطالبی بیان کرد.

سخنران چهارم، ابراهیم ذوالفقاری از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران بود که بر اساس اسنادی از ساواک و شهربانی حکومت پهلوی به شرح زوایایی از فعالیت های حزب ملل اسلامی پرداخت.

پس از پایان سخنرانی ها، سخنرانان به سؤالات حاضرین پاسخ داده و در پایان مراسم نیز غرفه «حزب ملل اسلامی» در محل «موزه عبرت ایران» با حضور اعضای این حزب، جمعی از زندانیان سیاسی دوران پهلوی دوم و حاضرین مراسم افتتاح شد.

این کتاب، به سان سایر مجلدات نشست های تخصصی در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول مکتوب سخنرانی ها، پرسش و پاسخ و مصاحبه دو تن از اعضای حزب ملل اسلامی است.

بخش دوم «ضمایم» نام گرفته و دارای دو قسمت است. در قسمت اول مقاله ای به قلم آقای ابراهیم ذوالفقاری است و تاریخچه مختصری از حزب ملل اسلامی به روایت اسناد نگاشته شده است.

در قسمت دوم اسناد مربوط به «برنامه»، «مواد تنظیمی» و «شرح مواد تنظیمی» حزب ملل اسلامی آمده است. در پایان هر قسمت نیز اسناد مربوطه عیناً درج شده است.

پایان بخش کتاب عکس هایی از نشست حزب ملل اسلامی، اعضای آن و حاضرین در برنامه است.

مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی ضمن سپاس از همه دست اندرکاران برگزاری این نشست به ویژه مسؤولین محترم موزه عبرت ایران، امیدوار است با همکاری این عزیزان و سایر دست اندرکاران و پژوهشگران، برنامه های دیگری از این دست به اجرا درآید.

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

دبیرخانه دائمی همایشها و نشستهای تخصصی

بخش اول نشست تخصصی

اشاره

ص:۹

سخنرانی سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی

با سلام به حضار محترم و سپاسگزاری از برگزارکنندگان این همایش و مسئلت از پروردگار متعال که در این ماه پربرکت رمضان توفیق طاعت و تقرب به همه ما عنایت فرماید. از من خواسته شده که راجع به حزب ملل اسلامی مطالبی را به عرض حضار محترم برسانم. این حزب در سال ۱۳۴۱ با هدف سرنگونی رژیم وابسته سلطنتی و تشکیل حکومت اسلامی ایجاد گردید. این که برنامه حزب چه بوده و چگونه می خواسته است حکومت اسلامی را برقرار سازد سخن را به درازا خواهد کشید، فقط می توان بدین نکته اشاره کرد که رژیم شاه هرگونه فعالیت سیاسی مخالف را به شدت سرکوب می کرد و تحت هیچ شرایطی اجازه نمی داد فرد یا گروه و حزبی با سیاستهای شاه و یا با رژیم سلطنتی مخالفت نماید و یا حتی در این گونه موارد اعلام نظر کند. از این رو حزب ملل اسلامی به عنوان یک سازمان مخفی شروع به فعالیت کرد و چون مجبور بود موجودیت و فعالیتهای خود را کاملاً زیرزمینی نماید، ناگزیر روش مبارزه مسلحانه را برای سرنگونی رژیم سلطنت اتخاذ نمود. شاید این پرسش مطرح شود که زیرزمینی شدن و مبارزه مسلحانه چه نسبتی و یا چه تلازمی با هم دارند. پاسخ بدین پرسش اساسی این است که اگر حزب و یا گروهی مجاز به فعالیت علنی باشد طبعاً می تواند با جلب نظر مردم و با تکیه و پشتیبانی اکثریت، به مبارزه صرفاً سیاسی بپردازد و طبعاً

از لحاظ سیاسی و اخلاقی مجاز به مبارزه مسلحانه نخواهد بود. اما وقتی فعالیت علنی غیر مجاز شمرده شود و هیچگونه آزادی برای گروه و حزب مخالف وجود نداشته باشد و در واقع آزادی بیان و عقیده از بین رفته باشد راهی به جز مبارزه مسلحانه باقی نمی ماند. البته برای اتخاذ روش مبارزه مسلحانه شرایط دیگری نیز باید وجود داشته باشد. از جمله این که اکثریت قاطع مردم با رژیم حاکم مخالف باشند و خواهان تغییر رژیم باشند و نیز باید شرایط ذهنی جامعه پذیرای یک چنین حرکتی باشد. اما با توجه به این که در دهه چهل شمسی در سراسر دنیا یعنی در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی و در کشورهای امریکای جنوبی و تعدادی از کشورهای آفریقایی مبارزات مسلحانه وجود داشت و در واقع دوره مبارزات رهایی بخش علیه امپریالیسم و عوامل داخلی آن در جریان بود و از سوی دیگر بین شرق و غرب، یعنی بین جهان کمونیستی و جهان سرمایه داری تضاد و جنگ سرد برقرار بود، طبعاً آتش مبارزات رهایی بخش در شکل مبارزات مسلحانه شدت گرفته بود و اردوگاه شرق نیز از مبارزات رهایی بخش ضد امپریالیستی حمایت می کرد. از این مقدمه می خواهم نتیجه بگیرم که در فضای ذهنی مردم ایران در دهه ۴۰ شمسی مسأله مبارزه مسلحانه مورد قبول بود و به مبارزین انقلابی این حق را می دادند که در مبارزه، به استراتژی مسلحانه روی آورند. به ویژه این که رژیم استبدادی شاه با کمک سازمان امنیت مخوفی که تشکیل داده بود با مبارزین با خشونت زیاد برخورد می کرد و در واقع مبارزین و مخالفین رژیم استبدادی و وابسته سلطنتی راهی جز مبارزه مسلحانه و زیرزمینی نداشتند. بدین دلایل حزب ملل که یک سازمان زیرزمینی بود، روش مبارزه مسلحانه را برای نخستین بار در ایران مطرح کرد و برای سرنگونی رژیم سلطنتی برنامه مدونی عرضه داشت ودر محور چنین اندیشه هایی، جوانان پاک را به همکاری و ایثار و فداکاری دعوت نمود. این حرکت در آن زمان چنان وحشتی در رژیم شاه به وجود آورد که افراد دستگیر شده حزب ملل اسلامی در دادگاه

نظامی بـدوی و تجدیـد نظر به اعـدام و حبس های دراز مـدت محکوم شدنـد و حتی گفته شد که هیچ گروهی تا آن تاریخ با چنین محکومیت های سنگینی، آن هم نسبت به جوانانی که هنوز دست به هیچ

عمـل مسـلحانه ای نزده بودنـد مواجه نشـده بود. فعالیت حزب ملل اسـلامی در سه مرحله استراتژیک تعریف شـده بود: مرحله ازدیاد و تعلیم که دوره تشـکیل هسته های حزبی و آموزش اعضای حزب در ابعاد ایدئولوژیک و سیاسی و ایجاد روح انقلابی و ایثار و جانبازی بود. مرحله دوم که مرحله استعداد بود، تشکیلات نظامی حزب پدید می آمد و آموزشهای ویژه ای به بخش نظامی حزب داده می شد و اسلحه و مهمات برای آغاز یک مبارزه دراز مدت مسلحانه فراهم می گشت و بالاخره مرحله سوم، مرحله ظهور یا تماس توده ای بود که حزب در آن مرحله اعلام موجودیت می کرد و اهداف و نظرات انقلابی خود را با مردم در میـان می گـذاشت و از هر طریـق ممکـن، که به سرّی بـودن تشـکیلات لطمه نمی زد، تمـاس بـا مردم را حفـظ می کرد و همزمان با این امر مبارزه مسـلحانه را برای تضـعیف و از بین بردن نیروی نظامی و سرکوبگر رژیم شاه آغاز می کرد. در خاتمه باید به عرض حضار محترم برسانم که تأثیر حزب ملل اسلامی به گونه ای بود که بعد از کشف حزب و محبوس شدن اعضای آن، هر حزب و گروه دیگری که تشـکیل گردید، همه به تبعیت از حزب ملل اسلامی روش مبارزه مسلحانه را در پیش گرفتند و به اعتقـاد بنـده یکی از دلایـل تضـعیف رژیم شاه همین مبارزات ایثارگرانه انقلابیون بود که در نهایت به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی قطعی و سقوط رژیم سلطنتی راه سپرد و به نتیجه رسید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

ص:۱۳

سخنرانی حجت الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی

بسم الله الرحمن الرحیم. چیزی که من برای این جلسه در نظر گرفته بودم، مخصوصاً این که چهره هایی را که می بینم، ماه مبارکی که در آن هستیم، مخصوصاً این که قبل از شروع جلسه، به آن ساختمان کمیته مشترک که چهل سال پیش زندانی بودیم، رفتم، خاطراتی از زندان است. به دوستان نشان دادم که جای ما در زندان کجا بود. مناجاتهای برادرمان آقای عباس دوزدوزانی و صدای تلاوت قرآن و دعایشان در گوش من همچنان هست. اذان خوب و باحالی که آقای مهندس محمد کاظم سیفیان می گفتند. جلسات قرائت قرآنی در ماه مبارک رمضان در سال ۴۴ در این محوطه که زندانی بودیم، تفسیر قرآنی داشتیم. آیات جهاد را دوستان حفظ می کردند و شبها با هم به تلاوت قرآن می پرداختیم و سحرها مناجات می کردیم. این خاطرات برای من دلنشین و دلچسب است. حالتی پیدا می کنم تأسف و یاد گذشته همراه با عشق و عاطفه. این یادآوری برای من از آن رو ضروری است که ما یک عده جوان بودیم. من سنّم از بچه هایی که با هم زندان بودیم بیشتر بود. من ۳۳ سالم بود. کوچکترین ما آقای حسن طباطبایی بود که در صف سوم و چهارم این جلسه نشسته اند، همچنین آقای مرتضی حاجی که مدتی وزیر آموزش و پرورش بودند و الآن در جلسه نیستند. برادر دیگری به نام احسان الله محبوب که ایشان هم اینجا تشریف ندارند. اینها در سنین قبل از بلوغ

قانونی بودنـد. در واقع سـنشان کمتر از هجـده سال بود و بنابراین پس از آقای بجنوردی که به اعـدام محکوم شد، اینها به سـه سـال زنـدان در دارالتأدیب محکوم شدنـد. غیر از من که سـنم ۳۳ سـال بود، بعـد از من احمـد آقازمانی بود که امشب بعـد از حدود ۴۰ سال خدمتشان رسـیدم. برادر بزرگ عباس آقازمانی-ابوشـریف- که الآن در ایران تشـریف ندارند و ایشان از چهره هـای بارز حزب بودنـد. من قبل از این که به زنـدان بیفتم، در ایامی که در فعالیتهای مخفی حزبی بودیم و در گروههای مثلث شکل، کلاسهای مخفی سلسله مراتبی داشتیم و با آقای زمانی کار می کردم.

هنگـام دسـتگیری، آقایان بجنوردی و سـرحدی زاده از اصـحاب کوه بودنـد و در کوه دسـتگیر شدنـد. پس از تیرانـدازی های مفصـلی که مـأمورین رژیم گذشـته داشـتند، آقای بجنوردی و آقای سـرحدی زاده در درگیری کوه، در کوههای شاه آباد آن روز و دارآباد امروز، با مأمورین دولتی درگیر شدند و در نهایت با دسـتبند و پابند دسـتگیر شدند و مدت طولانی در زندان به سر بردنـد. به هر حـال ابوشـریف هم از کسانی بود که در بیرون از زنـدان خیلی فعال بود. هنگامی هم که به زنـدان افتادیم در تمام مـدت ایشان فعال بود. از زنـدان هم که آزاد شـد- به نظرم سه سال زودتر آزاد شـد - با آقای جواد منصوری که الآن نیز تشریف دارند، «حزب الله» را تشکیل دادند. به همین دلیل دوباره به زندان بازگردانده شدند. آقای جواد منصوری هم دو مرتبه به زنـدان بازگشـتند. یک مرتبه به عنوان حزب ملل اسـلامی محکوم شدنـد و یک مرتبه هم به عنوان حزب الله. به نظرم مـدت دوم ایشان هم زیاد بود. از اسامی فعالانی که یادم هست، آقایان بجنوردی، ابوالقاسم سـرحدی زاده، مهنـدس محمـد میرمحمد صادقی که امشب پس از چهل سال ایشان را دیدم، محمد باقر صـنوبری که همین جلو نشسته اند، جواد منصوری، محمد پیران -وزیر جنگ دولت مهندس موسوی - ، مهندس اصـغر قریشی، سید احمد تقوی، مهندس محمد کاظم سیفیان، احمد شیرینی، مهندس محمد صادق رئیسی دانا، محمد تقی

شالچی و حسن طباطبایی یاد می کنم. از چند نفر از دوستانی که به رحمت خدا رفتند؛ مرحوم سید محمد محمودی، مرحوم ناصر نراقی و همچنین برادر بزرگ آقای سرحدی زاده، مرحوم امیر سرحدی زاده که در این شب رحمت، برایشان طلب مغفرت می کنیم.

این قسمت را در این بخش یادآوری کردم که از ایام گذشته زندان در این ماه مبارک رمضان حالاتی که در زندان داشتیم یاد کرده باشم. من ده سال در زندان بودم آقای بجنوردی و آقای سرحدی زاده، حدود ۱۴ سال در زندان بودند. آقای مهندس قریشی هشت سال و آقای جواد منصوری ۷ سال. تصورم این است که آنچه به ما نشاط و نیرو می داد و این دوره زندان را با عزت و سربلندی طی کردیم، که زندان حزب ملل اسلامی یکی از افتخارات آن نسل و نسل آینده هست، عشقی بود که ما نسبت به اسلام داشتیم و آن آزادگی و حرّیتی بود که در جان بچه های ما نفوذ داشت. این حال را من هنوز هم در این بچه ها می بینم. من هر وقت آقای بجنوردی یا آقای سرحدی زاده یا بچه های دیگر را می بینم، دوستان دیگر را می بینم، همان سربلندی، همان عزت نفس، همان بزرگواری،همان دیانت و همان تقوا در آنها وجود دارد. خدا را شکر می کنم که این برادران همچنان به اسلام و مبارزه اسلامی و جهاد اسلامی وفادار ماندند و این نظام مقدس را تاکنون یاری کردند. والسلام علیکم.

ص:۱۷

سخنرانی ابوالقاسم سرحدی زاده

بسم الله الرحمن الرحیم. قبلًا از سازمان مربوطه که چنین نشستی را تشکیل دادند سپاسگزارم. در آن زمان در جامعه ما، امام بزرگوار ما، این انقلابیِ خدایی و این مرد آرام ناپذیر و بزرگ عصر ما خودش موجب شده بود که گروه ما تشکیل شود و برای حرکتمان ترغیب شویم. در آن دوره امام بزرگوار پرچم انقلاب را برافراشتند. در جوامع ما مرسوم بود که روشنفکران - چه مذهبی و چه غیرمذهبی - اوضاع را تفسیر می کردند و کمتر در پی تغییر بودند. این نقیصه بزرگی در بین روشنفکران ما بود. جمعی که به نام حزب ملل اسلامی می بینید نخستین گروههای مسلمانی بودند که با جدیت در مسیر تغییر برآمدند و نه تفسیر خشک و خالی. به همین دلیل به همه رفقا تبریک می گویم. به خود می بالم که ما تنها به تفسیر اوضاع اکتفا نکردیم، بلکه به جد در پی آن برآمدیم که اوضاع را تغییر دهیم. البته به دنبال امام بزرگوارمان. در دورانی که امام بزرگوارمان پرچم مبارزه افراشتند، تا حدودی تنها بودند و یاران کمی داشتند.

افرادی به یاری او برخاستند. ما به دنبال امام و در پی برپایی انقلاب اسلامی به پا خاستیم. فضای جامعه در آن موقع بسیار آلوده و مسموم بود. اگر به خاطر داشته باشید مولا علی بن ابی طالب (ع) در یکی از فراز دعاهایشان می فرمایند که: «خدایا آن گناهانی را که فضا را تیره و تار می کند بر ما ببخش.» واقعیت آن است که در آن زمان، در دوره طاغوت،

وضعی به وجود آمده بود که جامعه تیره و تار بود. من فقط یک مثال کوچک می زنم. ما بچه بودیم و به دبستان می رفتیم. ما را می بردند به اصطلاح گردش علمی. توجه کنید. من یادم هست که ما بچه های دبستان را بردند در یک سالنی. در این سالن چراغها را کاملاً خاموش کردند. در سن آن سالن شمعی یا چراغ کوچکی روشن بود. خانمی لخت شروع به رقصیدن کرد. این امور تربیتی روزگار ما بود! کار به جایی رسیده بود که مثلاً دو مرد در هتل هیلتون با هم ازدواج می کردند و شاه و فرح و دیگران هم برای اینها دسته گل می فرستادند. فضای این جامعه هوایی نیست که قابل تحمل باشد. کسی که کمترین آشنایی با فرهنگ قرآن و اسلام داشته باشد، ناگزیر می شود در پی تغییر این اوضاع برآید. برادران ما هم برای تغییر این وضع برخاستند. درست است که ما به لحاظ سنی و تجربه، خیلی کم تجربه و کم سن و سال بودیم، اما این بصیرت و غیرت بود که ما را وا می داشت با امکانات اندک به جنگ یک رژیم دیکتاتور خونخوار به پاخیزیم. مثلاً به کوه بزنیم و حزبی تشکیل دهیم و آرام آرام مردم را به انقلاب دعوت کنیم. این موضوع خیلی معنا دارد. در آن روز، ما برای این تغییر محتوای غنی نداشتیم. گرچه امام بودند، اما ما دور از امام بودیم. ما دورادور به دنبال امام راه افتاده بودیم. رابطه نزدیک با امام وجود نداشت. آقای بجنوردی توضیح دادند که چه شد ما مشی مبارزه مسلحانه را انتخاب کردیم. وضع آن گونه بود که مرحوم آقای بازرگان در دادگاه محاکمه گفت این کار نهضت آزادی آخرین تلاش قانونی ملت ایران است و بعد از این شما با اسلحه مواجه خواهید شد. همان موقع که ایشان داشت این حرف را می زد، ما در پی به دست گرفتن اسلحه و برپایی مبارزه مسلحانه بودیم. مبارزه می بایست مسلحانه و قهرآمیز باشد. امام هم، همین را می خواست؛ با قهر و خشونت کامل دستگاه فاسد را برچیدن و جامعه قرآنی برپا کردن. جناب آقای حجتی و برادران دیگر، ما را اندک اندک با قرآن و اسلام و فرهنگ غنی اسلامی و انقلاب پربار اسلامی آشنا می کردند. ادامه این تربیت انقلابی در زندان

بود. در زنـدان مـا آرام آرام تربیت انقلابی و اسـلامی خودمـان را آغاز کردیم. زنـدان جای خطرناکی است. امکان واژگونی بسیار است، مگر اینکه خدا رحم کند، یا بصـیرت درستی وجود داشـته باشد. من هرگز فراموش نمی کنم تفاسـیری که جناب آقای حجتی از سوره انسان داشت. ما چقدر لذت می بردیم. چقدر اسـتفاده می بردیم. همین آموزه ها بود که ما را در زندان، علیرغم همه رنـج ها، سـرپا و زنـده و شاداب نگه می داشت. زنـدان رنج گاه واقعی است. در این رنج گاه ما توانستیم به لطف خـدا روحیه خود را حفـظ کنیم. همین امروز که در خـدمت شـما هستیم، تمام برادران ما به نوعی در خـدمت انقلاب اسـلامی هسـتند. مثلاً جناب آقای منصوری که من به ایشان می بالم، با این که آزاد شدنـد، تربیت انقلابی شان اجازه نـداد که خاموش باشند. دو مرتبه شروع کردند و باز به زندان افتادند و در زندان مردانه مقاومت کردند. ایشان حبس ابد داشتند. برادرمان احمد احمـد که حتماً در اینجا تشـریف دارنـد و شـرح خاطرات ایشان را رفقا حتماً خوانـده انـد، می بینیـد که چقدر قهرمانانه در پی انقلاب برآمـد. امروز، بنـا به بیان مقام معظم رهبری، بخشـی از مبارزه مان خاتمه یافته ولی بخش عظیمی از مبارزه مان مانـده است. امروز حاکمیت یا قلدری جهانی با امریکاست و شما می بینید ما تقریباً در موقعیت رویارویی نزدیک با هم واقع شده ایم و این مبارزه ادامه دارد و تمام کسانی که خودشان را به اسلام و قرآن وفادار نگاه داشتند، بایستی آماده مبارزه باشند.

ص:۲۱

سخنرانی ابراهیم ذوالفقاری

سن من حدوداً با سن حزب ملل یکسان است. من فقط از دریچه اسناد با حزب ملل آشنا شده ام. امیدوارم با آن عبارت مولای متقیان که فرمود آن چنان در تاریخ گذشتگان غور کردم که گویی با آنها زیستم آنگونه باشم. این سندهایی است که دشمن انقلاب آن را تدوین کرده است. باید نکته ای خدمت شما بزرگواران عرض کنم که من فقط سندهای ساواک را دیده ام. از دریچه سندهای سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی، حزب ملل را معرفی می کنم. عزیزان می دانند که حزب ملل به وسیله شهربانی کشف شد. اداره اطلاعات شهربانی حزب ملل را کشف کرد. پس از حدود سی و چند ساعت ساواک از کشف حزب ملل مطلع شد. خیلی هم اتفاقی بود. آقای صنوبری که در محضرشان هستیم، رفتند خانقاه قراری اجرا کنند یا جلوی خانقاه ایستادند. همین جا اختلاف اسناد شروع می شود. بعضی از سندها تاریخ بیست و دوم را (۲۲/۷/۴۴) نقل می کنند، بعضی سندها تاریخ بیست و سوم را (۲۳/۷/۴۴). علتش هم این است که بعضی از سندها ساعت دستگیری آقای صنوبری را ساعت ۳ بامداد نقل کرده اند. برخی ساعت ۵/۱۲ شب. حالا ـ خودشان خواهند فرمود که کدام صحیح است. به هر جهت، پاسبانی به ایشان شک می کند. کیف سیاه رنگش را می بیند و مشکوک می شود. ایشان را صدا می کند که داخل کیف چیست. پاسخ می شنود کتاب و

روزنامه است. داخل کیف را باز کن ببینم. ایشان با یک مشت - بنابر زبان اسناد - به صورت پاسبان می کوبد و کیف را روی بام خانه آقای امینی نامی که در شهر ری از اقوام معروف هستند پرتاب می کند و خودش فرار می کند، اما پاسبان موفق می شود ایشان را دستگیر کرده و کیف را پیدا کند و از آنجا حزب ملل که قریب چهارسال از تشکیل آن می گذشت، شناسایی می شود. اما مشکوک بودن پاسبان شهربانی عقبه ای داشت. عقبه آن بود که چند اتفاق همراه هم افتاده بود. اول بهمن ۴۳ شهید محمد بخارایی به همراه یارانش در میدان بهارستان منصور را زده بودند. اولین سند ساواک در این باره می گوید پسربچه ای که ظاهراً لال است منصور را زده است. این عین عبارت سند است. اولین برگ از سند کتاب مرحوم سیدعلی اندرزگو است که مرکز بررسی اسناد تاریخی تدوین کرده است. اولین سند این است: «پسربچه ای که ظاهراً لال است این اقدام را صورت داده است». بعد این پسر را بردند شهربانی. دهانش را بست. اول سند را می خوانم. چگونه با ایشان برخورد کردند و چگونه به او تذکر دادند تا مجبور شد نام دیگر دوستان را ببرد. محمد بخارایی دوستانش را معرفی کرد و از طریق دوستان، دو تن از افراد موفق به فرار شدند. یکی مرحوم آسیدعلی آقا اندرزگو - که روحش قرین رحمت باد - و یکی شیخ حسن یزدانی زاده. اندرزگو در جلسه کمیته مسلحانه ترور شرکت داشت و در روز ترور هم در میدان بهارستان بود. عکس او را از اداره ثبت احوال تقاضا کرده و تکثیر کردند. به همه شهربانی ها بخشنامه زدند. بخشنامه اداره اطلاعات شهربانی برای همه شهربانی ها هست. همزمان که به جناب صنوبری مشکوک می شوند و دستگیر می کنند، از کرمانشاه، شهربانی کرمانشاه به شهربانی تهران نامه می دهد که ما به آدمی مشکوک شدیم و دستگیر کردیم که هم شکل و قیافه عکس است که شما برایمان فرستاده اید. چهار تا از این اتفاقات افتاده است. در دهم بهمن ماه نعمت الله نصیری به جای حسن پاکروان بر صندلی ریاست ساواک تکیه می زند و محسن مبصر ریاست شهربانی را برعهده می گیرد.

نهم فروردین ۴۴ دادستان تهران مصاحبه ای می کند و اطلاع می دهد که قرار است یک عده ای به جان برخی از شخصیتها سوءقصد کنند. ۲۱ فروردین ۴۴ حادثه کاخ مرمر و رضا شمس آبادی و تیراندازی به طرف محمدرضا پهلوی اتفاق می افتد.

۷ اردیبهشت محاکمه بخارایی، صفارهرندی، نیک نژاد و مرحوم صادق امانی - شهیدان - شروع می شود. یعنی مؤتلفه ای هایی که دستگیر شده بودند. ۲۶ خرداد حکم اعدامشان صادر می شود. ۱۱ مهر ۴۴ یک سرباز وظیفه - سند می گوید سرباز وظیفه، ولی بعضی ها می گویند افسر محمد بارانی - در غذاخوری پادگان سه افسر را می کشد. یعنی حدود ۱۲، ۱۳ روز قبل از کشف حزب ملل. جالب اینجاست که بعداً پاسبانی که جناب آقای صنوبری را دستگیر می کند - سرمستی - جایی صحبت می کند. چند سال بعد می گوید که من می دانستم، بارانی، که دست به ترور آن سه نفر زد، در آن خانقاهی که آقای صنوبری را جلویش دستگیر کردیم، رفت و آمد داشت لذا ما آن خانقاه را تحت کنترل داشتیم. می دانستیم که افراد مشکوکی به این خانقاه رفت و آمد دارند. به این روش موفق شدیم تا حزب را کشف کنیم. زبان سند است. ۱۱ آبان قصه محاکمه شیروانلو، پرویز نیکخواه در حادثه ۲۱ فروردین اتفاق می افتد.(۱) از مظلومیت حزب ملل همین بس که در روزشماری که بعد از انقلاب اسلامی نوشته شده، در تاریخ ۱۷ بهمن ۴۴، اسمی از حزب ملل نبرده اند. نوشته اند محاکمه ۵۵ نفر از اعضای حزب مسلح مخفی. در تاریخ ۱۵ اسفند هم نوشته اند دادگاه نظامی مأمور رسیدگی به پرونده اتهامی اعضای جمعیت سرّی. به هر حال آقای صنوبری ابتدا صحبت نمی کند.

۱- ۱ - ترور محمد رضا پهلوی توسط شهید شمس آبادی که فردی مسلمان، معتقد و متدین بود صورت گرفت؛ خاصه این که این حرکت پس از تبعید حضرت امام خمینی به ترکیه و سپس نجف انجام شد. ساواک با ترفند خاصی، دستگیری یک محفل چپ به رهبری پرویز نیکخواه را اعلام کرد و آن را به اقدام شهید شمس آبادی ربط داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با انتشار کتاب «ترور شاه به روایت اسناد ساواک» توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی و تحقیقاتحجه الاسلام سید حمید روحانی در کتاب «نهضت امام خمینی» (ج اول) بی پایگی این ادعای حکومت پهلوی بیش از پیش مشخص شد.

بعد سند می گوید که به ایشان تذکر دادیم. تذکر در زبان اسناد امنیتی معنای خاص خود را دارد. آنهایی که زندان بودند خودشان می دانند، آنهایی هم که از این موزه بازدید کردند و وسایل را دیدند، طبیعتاً زبان تذکر نیروهای امنیتی را متوجه شده اند. آقای صنوبری ۱۸ ساله زبان باز می کند، یکی دو نفر از دوستان را معرفی می کند. شبکه همین گونه معرفی می شود. همان گونه که جناب آقای حجتی فرمودند دوستان به کوه پناه می برند. برای درگیری مسلحانه هفت اکیپ شهربانی کوه را محاصره می کنند. شبانه، بعد از تیراندازی هایی که صورت می گیرد آقای بجنوردی دستگیر می شود. آقای مولوی با یک اسلحه فراری می شود و الحمدلله دستگیر نمی شود. آنچه در اسناد موجود است، این است. اسناد چهار جلد قطور است و در این جلسه فرصت نیست که به تمام اسناد پرداخت. به یک نکته از اسناد اشاره می کنم. روزنامه یا روز نامه های آن زمان نوشتند. کسانی که قرار است تاریخ حزب ملل را مطالعه کنند چه بسا سراغ روزنامه های آن زمان هم بروند. نکته این است؛ نصیری که تازه ریاست ساواک را برعهده گرفته، وقتی برایش گزارش این دستگیری به همراه نشریات حزب ملل ارسال می شود، زیر بعضی از عبارات خط می کشد. این گزارش نصیری را به افکار حزب ملل توجه می دهد و وی دستور پی گیری می دهد. عین خط نصیری است. می نویسد: «با شهربانی در تماس بوده در صورت احتیاج مساعدت لازم را بنمایید و باید ریشه آن معلوم و یقیناً همین دسته یک اکیپ تروریستی داشته که باید معلوم و منبع اصلی آن نیز باید معلوم شود که از چه دولت خارجی سرچشمه گرفته است.»

چون رژیم قصه ابوقیس جوجو را در ۱۵ خرداد تجربه کرده بود. خاطر مبارکتان هست که در قصه ابوقیس جوجو چه سر و صدایی به پا شد. اکنون که هاشمی – رئیس اداره هشتم ساواک – خاطراتش را منتشر کرده، با صراحت می گوید که قصه ابوقیس جوجو قصه ساختگی بود. یک شاگرد تاجری بود که پولهایی را برای جواهریان نامی آورده بود و

این چنین شد. روزنامه مرد مبارز که مدیرش خلیل اسعد رزم آرا بود. خلیل اسعد رزم آرایی که با آمریکا ارتباطش مشخص بود. با ساواک ارتباط مشخصی داشت. از آن گذشته خلیل اسعد به قدری فاسد بود که شرم می کند آدم در چنین جلساتی از خلیل اسعد اصلاً حرف بزند. یعنی پرونده خلیل اسعد رزم آرا این قدر کثیف است. ابتدا روزنامه اطلاعات می نویسد که در ۲/۱۱/۴۴ رهبران حزب پول زیادی برای مخارج در اختیار داشتند، منتها در بازجویی ها اظهار داشتند از حق عضویت افراد تأمین شده است. با توجه به کمی تعداد اعضا و عدم تناسب حق عضویت پرداختی آنها با میزان پولی که خرج می کردند باید گفت که بودجه آنها از یک محل نامعلومی تهیه می شده است. یعنی رهنمود نصیری به روزنامه ها کشیده می شود. برای اینکه حزب ملل به یک دولت خارجی منتسب شود. وقتی به یک دولت خارجی منتسب شد به طور طبیعی می شود محکومیت ها را محکومیت های کلانی قرار داد و حکم های آنچنانی صادر کرد. این در صورتی است که خود ساواک در گزارشی می آورد که آخرین موجودی حزب پس از دستگیری مبلغ شش هزار ریال بود که به عنوان مساعده در اختیار اعضا قرار داده شده بود. این عین سند ساواک است. سندش موجود است. ولی آن چیزی که اسعد رزم آرا در روزنامه مرد مبارز به تاریخ ۱۸/۱۱/۴۴ می نویسد چیز دیگری است. در ستونی می گوید: گفته می شود در دادگاه متهمین حزب مخفی نام دولت خارجی که به افراد این دسته اسلحه و پول می دادند اعلام می شود. بعد از مقداری توضیح می گوید: این شبکه های مخفی زیرزمینی به دست عوامل چند کشور خارجی اداره می شده است. متهمین این پرونده ۵۵ نفر هستند و دادستان دادگاه برای ۸ نفر از آنها تقاضای اعدام نموده است. بعد از این که احکام صادر می شود، تنها فردی که به اعدام محکوم می شود رهبر حزب، جناب آقای بجنوردی است. تلاشها آغاز می شود تا این حکم تخفیف پیدا کند. مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی رحمت الله علیه وارد گود می شود. از نجف نامه ای

با

۲۵۰ امضـا می آیـد. طبیعتاً خبر، بازتابهای خارجی نیز داشـته است. از فرانسه وکیلی به نام رولا می آیـد که در جلسات دادگاه شرکت کنـد، امـا راهش نمی دهنـد. در جلسـات این اتفاقـات می افتـد و اعضا محکوم می شونـد. ساواک مشـهد ریاسـتش با سرتیپ بهرامی بود. آنهـایی که بـا سـاواک آشـنا هسـتند از جنایات سـرتیپ بهرامی مطلعنـد. او از منابعی که در مـدرسه علمیه نواب داشت عکسـی کشف می کنـد و آن را برای ساواک تهران ارسال می کنـد. آن عکس، عکس آقای بجنوردی به همراه یکی دو نفر از طلبه های مـدرسه نواب است. شـخص عربی در این عکس وجود داشـته است. دشـمن به خیال خود به خواسـته اش رسـیده است. همین را مطمـح نظر قرار می دهـد تا اثبات کنـد که حزب ملل با یک دولت خارجی در تماس است. هر چه تلاش می کننـد از تحقیق به جایی نمی رسـند. تنها راه این بود که در دادگاه از خود آقای بجنوردی در این باره سئوال کنند. وقتی سئوال می کنند پاسخ جناب بجنوردی این است که این یک نفر عرب سوری است و از جایی معرفی شده بود که من به عنوان مترجم با ایشان همراهی داشـتم. این فرد برای خرید قالی به تهران آمده بود. ترفندی جناب بجنوردی در جلسات دادگاه به کار می بندنـد و ترفنـد کارسازی هم است. وقتی ساواک بررسـی می کنـد و تشـکیلات حزب ملل، رده بنـدیهای مدرسه و کلاس و کادر و رهبری حزب را در می آورد، می نویسد که تاکنون گروهی به انسجام و تشکیلاتی تر از این گروه در ایران وجود نداشـته و بعد به گروههای چپ مثل حزب توده اشاره می کند. آقای بجنوردی گویا ضدبازجویی هم خوانده بود. وقتی می بیند دو نفر از دوستان حزب ملل دستگیر نشده اند، یکی جناب مهندس مولوی عربشاهی و دیگری آقای آیت الله زاده، می گویـد پرونـده ناقص است. تا این دو نفر دسـتگیر نشونـد ما حرفی برای گفتن نداریم. البته رژیم به این توجه نمی کند و حکم اعـدام ایشـان را صادر می کننـد. لیکن با تلاشـی که صورت می گیرد با یک درجه تخفیف، این حکم به حبس ابـد تقلیل می یابد. قصه حزب ملل در اینجا تمام نمی شود. محکومیتها

صورت می گیرد. همانطور که فرمودند از سه سال تا اعدام. ۱۴ نفر حکم برائت می گیرند و آزاد می شوند. چند نفری دستگیر نمی شوند. اخوی جناب آقای بجنوردی - آقای سیدجواد بجنوردی - دستگیر می شود که داستان زیبایی دارد. کسی که منبع ساواک مشهد بود و آن عکس را به ساواک تهران ارسال می کند توسط دوستان مشهدی شناسایی می شود. وی را فریب می دهند و اطلاعات دروغ به او می دهند. تا جایی که ساواک حرفهای منبع خودش را می پذیرد و دستور دستگیری ۷ نفر را صادر می کند که یکی از آنها اخوی جناب بجنوردی است. وقتی افراد را دستگیر می کنند، می بینند که فریب خورده اند و هیچ چیزی نبوده است. از این هفت نفر، پنج نفر را آزاد می کنند. ۲ نفر را هم با قید التزام عدم خروج از حوزه قضایی تهران آزاد می کنند. عزیزانی که دوست دارند در خصوص حزب ملل اسلامی مطالعه داشته باشند، بخشی از اسناد این حزب در غرفه ای در همین موزه عبرت به عنوان غرفه حزب ملل اسلامی طراحی شده است.

آنچه بود در سندها بود و یک کلمه به آن اضافه نکردیم. ان شاءالله خداوند تبارک و تعالی آن کسانی را که در بین اعضای محترم حزب ملل بودند و سر به تیره تراب بردند و جایشان در این جلسه خالی است از برکات ماه مبارک امشب بهره مند کند و همه عزیزانی که شرف حضور دارند بر توفیقاتشان بیفزاید.

ص:۲۹

پرسش و پاسخ

س: چرا حزب ملل اسلامی فعالیت خود را آغاز نمی کند ضمن اینکه به لحاظ قانونی شاید این حزب منحل نشده باشد.

ج (بجنوردی): مرحوم سیدمحمودی خدا رحمتش کند. جزو کادر مرکزی بود. اولین کسی از کادر مرکزی بود که دستگیر شد. خیلی هم مقاومت کرد. وقتی با انقلاب از زندان آزاد شدیم ایشان اصرار داشت که من حزب ملل اسلامی را مجدداً زنده کنم. من اول با شهید حجت الاسلام محمد منتظری صحبت کردم. گفتم که احساس خطر می کنم. ممکن است کودتایی شود، باید مقداری اسلحه جمع کنیم. به من گفت تو تازه از زندان آزاد شده ای و خبر نداری، کار حکومت تمام است. فکر بعدش را بکن. چیزی نگذشت که ۲۲ بهمن شد و انقلاب به پیروزی رسید. طبق آموزشهای قدیمی کلاسیک فکر می کردم که هر انقلابی یک بازوی سیاسی و یک بازوی نظامی می خواهد. من به آیت الله خامنه ای عرض کردم چطور است حزب ملل اسلامی را به عنوان بازوی سیاسی عَلَم کنیم. به من گفتند که دست نگه دار ببینم. بناست حزبی درست شود. منظورشان همین حزب جمهوری اسلامی بود. بناست حزبی درست شود و تمام نیروهای اسلامی انقلابی آنجا جمع شوند. گفتم خیلی خوب است. خیلی استقبال کردم. و وقتی حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد، ما به شورای مرکزی دعوت شدیم. من رفتم شورای

مرکزی. بعد دو نفر از اعضای حزب به پیشنهاد من آمدند در آن شورا. یکی آقای سرحدی زاده و دیگری آقای جواد منصوری. این پاسخ شما که چرا حزب تشکیل ندادم.

س: جناب بجنوردی درباره مشروعیت اقدام مسلحانه توضیح دادند. شما به این موضوع بیشتر بپردازید.

ج (حجتی کرمانی): من خاطره ای از مرحوم نواب دارم. قبل از آن که به حزب ملل وارد شویم و قبل از شروع نهضت امام در دهه ۴۰ اوایل سال ۴۰، از مریدهای مرحوم نواب بودم. البته من هیچوقت از فداییان اسلام نبودم، اما نسبت به مرحوم نواب علاقه خاصی داشتم. ارادت و عشق خاصی به ایشان داشتیم، هنوز هم همین طور هست با مرحوم اخوی مان علی آقای حجتی از کرمان که آمده بودیم می رفتیم خدمت مرحوم نواب به سرای مهندس، آنجا خانه ای بود که مرحوم نواب دیدار و سخنرانی داشت. صحبت از این بود که شما به اجازه کدام مرجع تقلید دست به ترور می زنید. رزم آرا را کشتید یا هژیر را کشتید. مرحوم نواب می گفت ما احتیاج به اجازه نداریم. وقتی که دشمن به خانه شما هجوم می آورد و به ناموس شما و حیثیت شما تجاوز می کند، اینجا جای اجازه گرفتن نیست. او معتقد بود که شاه و دولت شاه مهاجم است. فقط رأس شان را هم عقیده داشت، بقیه را معتقد نبود. ما حق نداریم به مأمورین و افراد جزء دست بزنیم. مهاجمین را همان خود شاه و اعضای کابینه می دانست. آن هم نه همه شان را. در کابینه هم می گفت افرادی هستند که آدمهای خوبی اند و نباید به آنها دست بزنیم. افرادی که تشخیص می دهیم نسبت به دین و ناموس مردم مهاجمند، مثل شاه، مثل رزم آرا و هژیر. این ها واجب تر است بر هر مسلمانی که آنها را از بین ببرند. ما هم دسترسی پیدا می کنیم و آنها را از بین می بریم. البته سعه و گستره قلمرو قیام مسلحانه خیلی بیشتر از آنجا بود که مرحوم نواب می گفت. قرار نبود ترور فردی در حزب ملل انجام گیرد. قیام مسلحانه معنی اش این نبود که ما فقط یک نخست وزیر را بزنیم. اگرچه ممکن بود

در یکی از کارهای

تاکتیکی زدن نخست وزیر، ترور فلان رئیس ساواک یا حمله به فلان جا، نیاز باشد، اما این کار تاکتیکی بود. کار استراتژیکی حزب کلاً این نبود. من معتقدم جواز شرعی بر همان مبنایی که مرحوم نواب داشته، ما هم می توانیم داشته باشیم. می خواهم بگویم آقای بجنوردی یا افرادی که در حزب می خواستند اقدام مسلحانه بکنند، صاحب تشخیص موضوع و فهم وظیفه شرعی بودند. بنابراین من تصور می کنم که اگر کسی با اجتهاد متقن و مسلم تشخیص بدهد، همان طور که آقای بجنوردی تذکر دادند که تنها راه نجات یک کشور منحصر است به قیام مسلحانه، این کار بر او واجب است. نه تنها جایز است بلکه واجب است.

عرض کنم برای اینکه حق دوستانی که در جلسه شرکت کردند و یا نتوانستند شرکت کنند ادا شود، از آقایان فلاحتی، احمد احمد، پیشوایی، بابایی، یوسف رشیدی، سیدفخرالدین بشیری، احمد منصوری، سلطانی- دایی آقای مهندس قریشی- و صلاح یاد می کنم.

س: لطفاً از دستگیریها، انتقال به زندان و زندان بفرمایید؟

ج (سرحدی زاده): ما در تاجگذاری دستگیر شدیم. تا تاج برداری در زندان بودیم. در جشن تاج برداری (۱۳۵۷ش.) هم از زندان آزاد شدیم.

س: در مورد اصحاب کوه بفرمایید؟

ج (سرحدی زاده): درباره کوه، رهبری این جریان به عهده آقای بجنوردی بود. ایشان ما را کشاندند به کوه. من برای اولین بار ایشان را در کوه دیدم. قبل از آن ایشان را ندیده بودم. آقای موسوی هم تشریف داشتند، که الآن اینجا حضور دارند. مرحوم ناصر نراقی هم بود. آقای مظاهری هم بودند. هفت، هشت نفر بودیم. دستگاه نمی دانست که ما هفت، هشت نفریم. آنها فکر می کردند که ما خیلی بیشتر از اینها هستیم و اسلحه بیشتری داریم. اینجوری فکر می کردند و با امکانات کامل به مقابله آمده بودند. گروههای مسلح زیادی هم آمده بودند، به طوری که تمام کوهستان پر از نیروهای مسلح بود. مستقیماً به شاه گزارش

می کردند. موقعی که آقای بجنوردی را گرفتند، به شاه گزارش

دادند. این

افسری که ما را گرفته بود، فحش می داد، که ما را معطل خودشان کرده اند.

س: جناب سرحدی زاده در مورد زندان هم بفرمایید؟

ج (سرحدی زاده): پذیرایی را بیشتر باید از مرحوم محمدی می پرسیدید. ایشان تا وقتی که در زندان هم بودیم نگفت که با او چه کردند. ما می دانیم که در زندان ناراحت بود. ۱۴ سال حبس کشیده بودیم و نمی گفت که چه به او گذشته است. بعد که ما از زندان آزاد شدیم، تازه ایشان گفت که چه کار با او کرده بودند. خیلی اذیت بدی کرده بودند، به طوری که ایشان در تمام طول زندان ناراحت بود، ولی اصلاً به روی خودش نمی آورد. نمی گفت که چه شده است. بعد از آزادی تازه ما فهمیدیم که چه جنایتی کردند. خیلی بدجوری ایشان را اذیت کردند. دیگر پذیرایی معروف از آقای صادقی بود که اینجا تشریف دارند! آقای منصوری خیلی خوب پذیرایی شدند! آقای منصوری البته چند بار پذیرایی شدند! آقای یوسف بشیری هم بودند. بالاخره رفقا اینجا هستند. همه می توانند شرح بدهند که چگونه از آنها پذیرایی شده است!

س: لطفاً بفرمایید حزب ملل اسلامی چه عکس العملی نسبت به قیام ۱۵ خرداد و اندیشه های امام خمینی داشت؟

ج (بجنوردی): ما یک سازمان مخفی بودیم و به صورت علنی با این حرکتها همکاری تشکیلاتی نداشتیم، ولی به عنوان فرد چرا. به عنوان فرد، هم افراد و حتی خود من در قیام ۱۵ خرداد شرکت فعال داشتیم.

س: شما سندهای گزارش را خوانده اید. اگر سند ها، تحلیلی درباره تشکیل حزب ملل از زبان ساواک دارند برای دوستان بخوانید.

ج (ذوالفقاری): سندی را تقریباً ماه اول، به نام گزارش عملیاتی، اداره اطلاعاتی شهربانی منتشر کرد. جریان واقعه را در ۶ صفحه توضیح داد. در این سند به این مطلب اشاره شد که چرا گروه های برانداز به وجود می آیند. البته تحلیلی از اداره امنیت داخلی ساواک، هنگامی که ثابتی

مدیرکل امنیت داخلی بود، دیدم. وی به عنوان مقام امنیتی بررسی کاملی

کرده بود از علل به وجود آمدن گروههای تروریستی. یک گزارشی در تاریخ ۵/۱۱/۴۴ تهیه می شود مبنی بر اینکه کشف شبکه تروریستی جدید و پخش خبر آن در جراید در روحیه مردم اثر محسوس و نامطلوبی ایجاد کرده است و موجب نگرانی طبقات مختلف شده است. در محافل و مجالس مختلف گفته می شود اگر جمال عبدالناصر که رئیس یک کشور آفریقایی است می تواند با تشکیل شبکه های تروریستی در ایران زمینه آشوب و اغتشاش را فراهم سازد، در آینده نیز نمی توان به امنیت و آرامش کشور صد در صد مطمئن بود. این حرفی است که خودشان می زنند. بعد نظریه ای که ساواک در ذیل این گزارش می دهد، می گوید که انعکاس و درج مطالب مربوط به کشف شبکه تروریستی در جراید و شاخ و برگ بخشیدن به آن، همچنین اخبار مربوط به جنگ کردهای عراقی با حکومت عراق و بزرگ جلوه دادن عملیات کردها علیه قوای دولتی عراق، باعث تزلزل روحیه افراد ما - افراد عامی مملکت - می شود و چنانچه روزی کردها همّ خود را متوجه مرزهای ایران سازند با وحشتی که از عملیات و جنگهای آنها بین مردم منتقل شده، مسلماً نتیجه به نفع ایران نخواهد بود. انتقاد می کنند نسبت به این موضوع که چرا نهاد امنیتی، برای این که از پاسخ این مطلب فرار کند که علت تشکیل چنین گروه هایی چیست این گونه پاسخ می دهد. اگر درست مطالعه کرده باشم حزب هنوز به مرحله مسلحانه هم نرسیده بود. حزب ملل سه مرحله تعریف کرده بود تا براندازی کامل صورت گیرد و حکومت جهانی اسلام تشکیل شود. حزب در مرحله تعلیم و ازدیاد بود که کشف شد. در مرحله عضوگیری و آموزش بود که حزب ملل ضربه خورد. همه سرمایه تسلیحاتی حزب ملل دو قبضه اسلحه بود که با مختصر پول از حق عضویتی که اعضا می پرداختند، تهیه شده بود. جناب آقای بجنوردی به عراق که تشریف برده بودند، این دو قبضه اسلحه را تهیه کردند و با خودشان آوردند. یک قبضه اش یک اسلحه والتر بود با ۵۵ تیر فشنگ که

با دستگیری اصحاب کوه به دست نیروهای شهربانی افتاد. یک اسلحه

هم به دست آقای مولوی بود که گویا با خودش خارج کرد یا جایی دفن کرد که بعداً ان شاءالله اگر همراهشان هست می دهند در این موزه نگهداری شود. از آن اسلحه ما خبری نداریم.

س: هزینه های مالی حزب واقعاً چقدر بود و از کجا تأمین می شد؟

ج (بجنوردی): هر کسی وظیفه داشت حق عضویت ماهیانه - ظاهراً ماهی پنج تومان - پرداخت کند. منتهی بعضی ها اگر درآمد بیشتری داشتند کمک می کردند و تأمین مالی حزب از طریق خود افراد بود.

س: چقدر بود؟

ج (بجنوردی): چیزی نبود. ما یک خانه جمعی داشتیم که آن وقتها به آن می گفتیم ستاد. آن وقتها کلمه «تیمی» هنوز نبود. ما می گفتیم خانه. همان ستاد که همان کمیته مرکزی در آنجا بود. وسایل چاپ، ضبط صوت و اسناد حزب در آنجا بود، در خیابان صفاری جنب یک مصالح فروشی. یک ساختمان خیلی معمولی بود و مخارج زیادی احتیاج نبود. ما به کسی حقوق نمی دادیم. اسلحه را فقط با پول بچه ها خریدیم. یکی هم وسایل فتوکپی، تایپ، ضبط و رادیو را خریدیم.

س: اگر امکان دارد داستان خوابی که قبل از تخفیف مجازات اعدام دیدید، توضیح دهید.

ج (بجنوردی): جریان به این صورت بود که آن وقتها کسی که حکم اعدامش قطعی می شد فرجام خواهی می داد. فرجام سیاسیون هم در تاریخ سیاسی ایران به هیچ وجه پذیرفته نشد. ولی ضوابطی بود. ده روز بعد از فرجام خواهی حکم اعدام اجرا می شد. شب دهم بود که فکر می کردم صبح می آیند می برند برای اجرای حکم. خواب دیدم، رفتم حرم حضرت علی(ع). ضریح باز شد. رفتم داخل. کنار قبر حضرت. حضرت آنجا ایستاده بودند. گفتند که این را جلا بده. من هم یک مقداری جلا دادم و فرمودند من به تو دستمزد می دهم. من زانو زدم مقداری از آن سیاهی را که روی قبر بود جلا دادم. رنگ طلایش درآمد و برق زد.

س: سخت ترین شکنجه ای که شدید چیست؟

ج (سرحدی زاده): اولاً اینکه وقتی ما را گرفتند، تا مرحله آخر شکنجه نکردند. تقریباً کار تمام شده بود. اما بعدها در زندان مسایلی پیش آمد که ما را به یک مناسبتی گرفتند و دستبند زدند و بردند بیرون از زندان. تقریباً ۱۵ تا پاسبان ریختند سر ما و به قدری با باتوم به ما زدند که پاهایمان سیاه شد. با چکمه هایشان هم می زدند. بعد من را انداختند جایی که مصالح ساختمانی بود، بعد هم از آنجا چند تا آجر برداشتند با آجر کوبیدند به سر ما. به هر ترتیب که می توانستیم جلویشان را می گرفتیم. ولی بالاخره چند تا آجر به ما زدند. آنجا خیلی کتکمان زدند. با باتوم بدجوری زدند. ما را انداختند داخل زندان مجرد. یک مدتی آنجا سختی کشیدیم.

س: آیا هیچ گاه بعد از پیروزی انقلاب با عوامل رژیم پهلوی که در دستگیری و شکنجه دخالت داشتند روبرو شدید؟ اگر روبرو شدید چه برخوردی داشتید؟

ج (حجتی کرمانی): می خواهم موضوعی را در اینجا مطرح کنم. مأمورین دستگاه پهلوی متفاوت بودند. افرادی بودند که دلشان با ما بود تا می توانستند هم به ما کمک می کردند، ولی خوب مأمور دولت شاه بودند و زیر پرچم او بودند. اعلیحضرت همایونی هم می گفتند. افرادی که در دادگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با ما برخورد کردند یا در زندان بودند، به خود من مراجعه کردند، اما اسامی شان یادم نیست. ولی بودند کسانی که از ما حلالیت طلبیدند یا یادداشت می خواستند که من رضایت بدهم، چه در زندان کرمان و چه در تهران، ما هم رضایت می دادیم و آنها می رفتند در دادگاه و آن رضایت نامه ما را می بردند و از زندان مرخص می شدند. یا اگر جرمی داشتند اعلام می کردیم که ما از حق خودمان گذشتیم. منجمله رئیس دادگاه بدوی ما جناب تیمسار تاج الدینی بود که همشهری ما بود. کرمانی بود. از مریدهای پدر من بود. اهل ذکر و خانقاه و اینها بود. ایشان زمانی که بستری بود به ما گفتند که

رئیس دادگاه شما بستری شده است. بعد هم در جلسه ختم او شرکت

کردیم. به او و خانواده اش هم گفتم که آن قدر که مربوط به من هست اعلام رضایت می کنم. علتش هم این بود که این سرهنگ تاج الدینی در دادگاه ما سعی می کرد که من حرف نزنم. دوستان همه یادشان است. وقتی که من می خواستم صحبت کنم نمی گذاشت حرف بزنم. خیال می کردم او با من لج است که نمی گذارد از خودم دفاع کنم. در صورتی که به نفع من بود. می خواست من صحبت نکنم تا پرونده ام سنگین نشود. لذا در دادگاه بدوی آقای تیمسار تاج الدینی با مشاورانشان به ما چهارسال محکومیت دادند.

در حالی که رییس دادگاه دوم ما سرلشکر مروستی بود. اهل یزد بود. همه این اعضای دادگاه به او استاد می گفتند و مقام شیخوخیت داشت. دادستان دادگاه ما هم، آن طوری که یادم می آید، آدم خوش جنسی بود؛ سرلشکر دکتر مهندس امیر سیدحسین امیرعاطفی. اسم بزرگی هم داشت. سید هم بود. این خیلی جلوی من می ایستاد که من حرف نزنم، برای این که پرونده ام سنگین نشود. اما رئیس دادگاه سرلشکر مروستی می گفت متهم آزاد است بگذارید سخن بگوید. ما هرچه می توانستیم می گفتیم و پرونده مان سنگین شد. در دادگاه دوم به ده سال محکوم شدم. جای شما خالی! هر ده سال را به اضافه چند روزی کشیدیم و آزاد شدیم. یکی از کسانی که در زندان بود و بسیار مرد شریفی بود و الآن هم آزاد است، جناب سرهنگ کوه رنگی است. ایشان رئیس زندان قصر بود. هر وقت در خدمت آیت الله طالقانی، آقای مهندس بازرگان و آقای مهندس سحابی بودیم، در زندان شماره ۴، آقای سرهنگ کوه رنگی ایام عید می آمد دیدن آقای طالقانی. دست آقای طالقانی را می بوسید و احترام می کرد. هر وقت هم کاری داشتند، همیشه با احترام با مرحوم طالقانی برخورد می کرد. با ماها هم برخوردش خوب بود. به طوری این رفتار خوب بود که بعد از انقلاب چون آیت الله منتظری خودشان در زندان بودند و دیده بودند رئیس زندان چقدر خوب برخورد می کند، به امام گفته بودند که خوبست

ما از آقای سرهنگ کوه رنگی در جمهوری اسلامی استفاده کنیم. به

توصیه آقای منتظری و موافقت حضرت امام (ره) سرهنگ کوه رنگی شد معاون شهربانی کل کشور. یعنی رئیس زندان رژیم پهلوی در نظام جمهوری اسلامی شد معاون کل شهربانی کشور. این را برای این خاطر گفتم که افراد صالحی هم در آن نظام بودند. بعضی از همان ها بودند که در پیروزی انقلاب نقش داشتند. در داخل ارتش یا شهربانی از عوامل ما بودند. از عوامل انقلاب بودند. از عوامل امام بودند که بدون نام و نشان کار می کردند. یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب، مسئله همین افراد بود.

س: درباره اساسنامه توضیح بفرمایید.

ج (بجنوردی): اساسنامه ابعاد مختلف داشت. یک مقدار کلیات بود. سیاست داخلی، خارجی، اقتصادی و قضایی بود. راجع به حکومت اسلامی هم بود. آن وقتها مسئله ولایت فقیه مطرح نبود. به همین دلیل ما در اساسنامه ذکر کرده بودیم که پارلمان دولت اسلامی از دو مجلس تشکیل شده است. مجلس مردم و مجلس بزرگان. تمام لوایح از سوی دولت به مجلس مردم، که در آن وقت قید شده بود که زنان و مردان به صورت مساوی در انتخابات شرکت می کنند، ارسال می شود، بعد هم می رود مجلس بزرگان. از شرایط مجلس بزرگان اجتهاد و عدالت بود. اینجا اسلامیت آن سیستمی که می خواستیم درست کنیم، دقیقاً مشخص می شد. مجلس بزرگان هم نصفش به وسیله حزب منتصب می شدند و نصفشان هم مستقیماً از طرف مردم انتخاب می شدند. شورا نبود بلکه مجلس بود. همسنگ مجلس مردم.

س: خاطراتی از طنز زندان بفرمایید؟

ج (بجنوردی): من طنزی را بگویم. از وقتی ما دستگیر شدیم، یک ماهی بود که ما را حمام نبرده بودند. به من گفتند که بیا برو حمام. من طبقه بالا در اطلاعات شهربانی بودم. (همین ساختمان). من را آوردند پایین که به حمام ببرند. از دور دیدم که آقای حجتی نشسته است. مثل اینکه تازه دستگیرش کرده بودند. با عبا و عمامه، هفت- هشت نفر از این بازجوها

هم اطرافش هستند. سرم را انداختم پایین که شناسایی ندهم. آقای

حجتی از دور که مرا دید از جایش بلند شد. گفت: آقای بجنوردی سلامٌ علیکم! خلاصه ده سال برای خودش خرید!

س: جناب سرحدی زاده شما از خاطرات طنزتان بگویید؟

ج (سرحدی زاده): ما غالباً درجات ارتشی را درست نمی دانستیم. یعنی من نمی دانستم. نمی دانم آقای احمد احمد هم می دانست یا نه. در زندان دژبان، سرلشکر معصومیان رئیس کل دژبان بود و سرتیپ خردور رئیس دایره دژبان. این خردور قیافه اش خیلی غلط انداز بود. من فکر می کردم خردور همه کاره است. آن سرلشکر را زیاد تحویل نمی گرفتم. گمانم اینست آقای احمد احمد هم همین طور باشد. یک روز این دو تا آمدند توی آسایشگاه همین زندان. هم سرلشکر معصومیان آمد و هم سرتیپ خردور. من که تازه از خواب بیدار شده بودم، سرم را از پتو آوردم بیرون دیدم یک تیمسار با یال و کوپال و یک عده زیادی افسر هم دنبال او هستند. من چه می دانستم که تیمسار مثلاً برای خودش کسی است. همین جور برگشتم گفتم تیمسار این کتاب و متابهای ما چه شد چرا نیاوردید. تیمسار خیلی عصبانی شد. هیچ به روی خودش نیاورد و رفت. رفته بود آن طرف. آقای احمد احمد هم که مثل اینکه مدتی حمام نرفته بود، به تیمسار گفته بود تیمسار از واجبی چه خبر. او هم خیلی عصبانی شده بود. چند تا کابل به احمد زدند.

س: جناب حجتی کرمانی اگر موردی از زندان دارید بفرمایید.

ج (حجتی کرمانی): من به جای طنز یادداشتهایی از زندان دارم. در زندان گاهی به نثر، گاهی به نظم درد دلی می کردیم. خوشبختانه مقدار زیادی از این یادداشتها مانده است. بعضی هایشان هم در آن یورش سال ۴۸ به سرقت رفت. ماه رمضانی بود. من در زندان کرمان بودم. ما مدتی با آقای مهندس قریشی تبعید شدیم به زندان کرمان. منشاء قوم و خویشی ما با آقای مهندس قریشی از همین جا شروع شد. من اهل کرمان بودم. آقای قریشی که آنجا تبعید بودند، والدشان، اخوی هایشان

همه می آمدند منزل ما. همین باعث شد که آقای قریشی دو سال قبل از

من آزاد شدند. ایشان هشت سال محکوم بودند و من ده سال. از زندان کرمان آزاد شدند و بعدها با ما قوم و خویش شدند. در سحر شب جمعه ۱۶ رمضان المبارک ۱۳۹۱- ۱۴/۸/۱۳۵۰/ ، چهاردهم آبان ۱۳۵۰- حالتی به من دست داد و من چندی طبع آزمایی کردم که البته از نظر ادبی و هنری و فنی قابل ارزش نیست ولی به علت اینکه گویای آن حالا‌تی است که من آنجا داشتم، به نظرم جالب توجه باشد. آن را ختام عرض خود قرار می دهم. یادگاری برای امشب تقدیم می کنم. چون ماه رمضان است. این نوشته هم در ماه مبارک رمضان بود.

ز زندان غم گر نجاتم دهند برای نجاتم براتم دهند

گرم زین ستم خانه رنج خیز رها کرده دیگر حیاتم دهند

اگر حوریان بهشتی زخلد بیایند و آب حیاتم دهند

بشویندم از لوث کبر و ریا به اکرام نیکو صفاتم دهند

برآرندم ار زین قفس سرفراز به انعام آب فراتم دهند

اگر عزت نفسم افزون کنند هماورده این تُقواتم دهند

اگر همنشینم برآ دان کنند مقام جوار عُباتم(۱) دهند

ترحم کنند گر به بی چیزی ام زکام وصالم زکاتم دهند

به وسعت سرای فنایم برند از این تنگ زندان نجاتم دهند

سرآغاز دیگر به دوران کنم در از فقر بُرم به یزدان کنم

همی عاشقی پیشه سازم همه خرد در بر عشق حیران کنم

به کوه و بیابان شوم مست و شاد پر از نغمه کوه و بیابان کنم

همی رقص در بحر معنا کشم بسی دُر و گوهر به دامان کنم

نشینم دمی در نشست رُنود دگرگونه دلهای یاران کنم

(فکر می کنم تحقق پیدا کرده است)

بشویم کتب خانه ها از اشک شوق که من همنشینی به قرآن کنم

ص:۴۱

۱- (عُبات یعنی کسانی که سرباز می زنند، سربلندند).

بُود جان جانم کتاب مجید بدان جان جان من فدا جان کنم

س: جناب ذوالفقاری از طنز اسناد بگویید.

ج (ذوالفقاری): وقتی حزب ملل کشف شد، احکامش اعلام گردید و در روزنامه ها نوشتند. بعضی ها سوءاستفاده کردند. خواستند تسویه حساب شخصی بکنند. سندی در پرونده حزب ملل دیدم که جالب است. تاریخ ۳۰/۱/۴۵ است. عنوان آن فعالیت حزب ملل اسلامی در مهاباد است. «به طور صحیح عده ای از مالکین متنفذ با همدستی عده ای از اهالی شهرستان مهاباد محرمانه در حزب ملل اسلامی که آب خورده یکی از ممالک عرب است با کمال بی شرمی در اطراف و اکناف شهر جداً فعالیت می کنند و با تبلیغات شوم مردم را تحریک بر علیه شاهنشاه آریامهر و کشور باستانی می نمایند. اسامی قسمتی از عده مزبور که شنیده شده به شرح زیر است:

قهرمان آقا محمدی با برادرانش و مالک مقیم مهاباد با برادران و عموزادگان.

احمدآقا عزیزی و محمودآقا عزیزی مالک مقیم مهاباد.»

۲۵ اسم با اقوامشان ردیف کرده که اینها همه از اعضای حزب ملل اسلامی هستند و در شهرستان مهاباد دارند تحریک می کنند.

ساواک بررسی می کند. نامه می دهد که پس چه شد. بعداً متوجه می شوند که اختلافات شخصی باعث این گونه گزارش ها شده است.

س: حاضرین اگر مطلبی در پایان جلسه دارند بفرمایند.

ج: (سرحدی زاده): مطلبی ندارم، جز اینکه به رفقایم این را بگویم اگر آدم در دوران جوانی حساسیتی داشته باشد یا غیرتی در خودش ببیند و دست به یک اصلاحات اجتماعی بزند چندان عجیب نیست. اما اگر همین غیرت را تا پایان دوران عمر حفظ کند و همیشه آماده باشد برای پرداختن به اصلاحات اجتماعی و حضور در حرکت های انقلابی، خیلی می تواند با ارزش باشد. من امیدوارم ما بتوانیم تا پایان عمر همچنان در خدمت انقلاب و اسلام باقی بمانیم.

ص:۴۲

ج (بجنوردی): اگر جوانان ما متوجه باشند که زندگی فقط این نیست

که خوب زندگی بکنیم. خانه خوبی داشته باشیم. اتومبیلی داشته باشیم. غذایی داشته باشیم. بلکه چیزهایی هست که ابعاد دیگری از روح را سیراب می کند و همانطور که در ابتدای صحبتم عرض کردم، هنوز حالات آن قیام را من با همه وجود احساس می کنم و از آن لذت می برم. جوانان ما باید بدانند که می توانند دنیا را تکان دهند. می توانند با عزمشان، اراده شان، بالا- بردن توان ملی شان، با شرافتی که برای خود تعریف می کنند و عزتی که برای خود در نظر می گیرند، کاری سترگ انجام دهند. به هیچ وجه نباید زیر بار خفت و خواری چه در سطح شخصی و چه در سطح ملی رفت. این باعث می شود ملت ما همچنان پرتوان باشد. با این روش توان ملی و پایه های نظام اسلامی آنچنان مستحکم خواهد شد که حتی اگر مثلاً پرونده اتمی ما به شورای امنیت برود، ما را به انواع تنبیهات محکوم کنند و حتی مورد هجمه نظامی قرار دهند، ملت و جوانان ما غیرت و شهامت و وحدتی را خواهند داشت که به هیچ وجه شکست نمی خوریم. ما شکست امریکا را قبلاً در ویتنام دیده ایم. مشتی کشاورز پابرهنه و گرسنه، امریکا را – بزرگترین کشور نظامی جهان، ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور جهان – به زانو درآوردند. من هنوز یادم می آید صحنه ای را که سفیر امریکا از سایگن، پایتخت ویتنام جنوبی، پرچم امریکا را گذاشته بود زیربغلش و همراه با آخرین گروه های نظامی سوار هواپیما می شد تا فرار کند. اگر ملت ما مقاومت کرده و یک پارچه باشد، می توانیم پیروز شویم. البته معنای این حرف این نیست که ما سیاست عاقلانه در پیش نگیریم. همیشه بزرگان ما، مدیران انقلاب و کشور باید تمشیط امور را با ملاحظه منافع ملی و منافع نظامی راه ببرند. نه تندروی بکنند و نه عقب نشینی بی حساب. کار آنها باید با حساب و کتاب باشد. در این صورت می توانند روی ملت و روی توان ملی حساب کنند.

ص:۴۳

مصاحبه با دو نفر از اعضای حزب ملل اسلامی

س: غرفه را چگونه ارزیابی کردید؟

ج (بجنوردی): به نظر من غرفه خیلی خوبی است، منتها اسناد بیشتری باید جمع آوری شود. خیلی از اسناد هست که جایش اینجا خالی است از جمله کیفرخواستی که در دادگاه قبلی نظامی به وسیله دادستان نظامی قرائت شد. احکام صادره در دادگاه نظامی قبلی و هم در دادگاه تجدیدنظر جایش خالی است.

س: نسل سوم انقلاب از حرکتها و مبارزات شما اطلاعی ندارند. فکر می کنید این غرفه چقدر تأثیر دارد.

ج (بجنوردی): به نظر من یکی از دلایلی که حزب ملل بعد از انقلاب مطرح نشد، مقداری از اختلافات داخلی زندان بود که به بیرون کشیده شد. این باعث شد که آن طور که شاید و باید، برای معرفی حزب اقدامی نشود. در حالی که بهترین فصل زرین شناسنامه انقلاب از لحاظ تشکیلاتی، حزب ملل اسلامی است. اگر انقلاب بدون سابقه باشد نه فقط افتخار نیست بلکه در تحلیلهای جامعه شناسانه به صورت یک حرکت خودگروهی و بدون استراتژی و بدون برنامه تلقی خواهد شد. انقلاب اسلامی ما این طور نبود. یک حرکت خود به خودی نبود. خلق الساعه نبود. شناسنامه دارد. یکی از برگهای زرین آن شناسامه حزب ملل

اسلامی است.

ج (حجتی کرمانی): اولاً ـ از این اقدام تشکر می کنم. بخشی از تاریخ انقلاب ما در این موزه بازسازی و احیاء شده است. جریاناتی که نقش موثری در پیروزی انقلاب داشتند و دوران طاغوت فداکاری کردند باید شناسانده شوند، ما با این کار خاطرات را زنده نگه می داریم. بخشی برای آینده است. مسئولیت ماست که در حفظ انقلابی که میراث این همه فداکاریها بوده، کوشا باشیم. بی شک این کار اثر بسیاری بر نسل سوم انقلاب دارد مخصوصاً چهره هایی که معرفی می شود همه جوان هستند. نسل سوم انقلاب ما همه هم سن و سال کسانی هستند که در این عکسها نشان داده شده اند و نقش آفرین حزب ملل اسلامی بودند. مقصودم این هست که مسئولین جمهوری اسلامی وظیفه دارند، جوهره پاک و مصفای انقلاب اسلامی را که دور از هرگونه خودخواهی است و در قیام امام (ره) اخلاص امام متجلی بود نشان دهند. وظیفه ما سنگین است. باید این تاریخ را از آلودگیها و رسوبات پاک کنیم.

ص:۴۶

بخش دوم ضمایم

اشاره

ص:۴۷

حزب ملل اسلامی به روایت اسناد

ابراهیم ذوالفقاری

حزب ملل اسلامی در سال ۱۳۴۰ش پایه گذاری و نخستین جلسه کمیته مرکزی آن، همزمان با ایام رحلت آیت الله العظمی بروجردی (ره) تشکیل شد.

هسته اولیه این حزب که توسط سید محمدکاظم بجنوردی، فرزند آیت الله میرزاحسن موسوی بجنوردی «از مراجع تقلید نجف اشرف و صاحب کتاب القواعد الفقهیه» بنیان نهاده شد، جوانانی بودند که او - سید محمد کاظم بجنوردی- پس از آشنایی با جنبش اسلامی عراق و مساعد نیافتن اوضاع آن کشور برای تصرف قدرت سیاسی و حضور در ایران، با آنان آشنا شده و پیوند نزدیکی داشت.

اعضای این گروه، اکثراً دانش آموز بودند و به همین علت، هسته اولیه آن با نام «گروه محصل» شهرت یافت که پس از تعریف سازمانی و تشکیلات، «حزب ملل اسلامی» نامیده شد.

اولین اقدام این حزب - که هدف خود را «سرنگونی نظام سلطنتی و برقرار ساختن حاکمیت اسلام» تعیین کرده بود - تصویب برنامه ای ۶۵ ماده ای بود.

در این حزب، مراحل رسیدن به پیروزی به سه بخش اساسی تقسیم می شد.

مرحله اول: ازدیاد و تعلیم

در این مرحله، به رشد عددی و آموزش اعضا - با تأکید بر مخفی بودن صددرصدی - توجه شده بود. ابتدا شناسایی افراد و تبلیغ آنان برای

عضویت، توسط اعضای هسته مرکزی و پس از آن از طریق سایر اعضا صورت می گرفت و آموزش افراد نیز از طریق نشریات و گفتگو عملی بود.

برای تحقق این منظور، اولین سخنرانی رهبر حزب - محمدکاظم بجنوردی - در نخستین جلسه کمیته مرکزی، در نشریه ای، انتشار یافت و پس از چندی ماهنامه ای تحت عنوان «خلق» با وسایلی بسیار ابتدایی،

حزب ملل اسلامی به روایت اسناد

ابراهیم ذوالفقاری

حزب ملل اسلامی در سال ۱۳۴۰ش پایه گذاری و نخستین جلسه کمیته مرکزی آن، همزمان با ایام رحلت آیت الله العظمی بروجردی (ره) تشکیل شد.

هسته اولیه این حزب که توسط سید محمدکاظم بجنوردی، فرزند آیت الله میرزاحسن موسوی بجنوردی «از مراجع تقلید نجف اشرف و صاحب کتاب القواعد الفقهیه» بنیان نهاده شد، جوانانی بودند که او - سید محمد کاظم بجنوردی- پس از آشنایی با جنبش اسلامی عراق و مساعد نیافتن اوضاع آن کشور برای تصرف قدرت سیاسی و حضور در ایران، با آنان آشنا شده و پیوند نزدیکی داشت.

اعضای این گروه، اکثراً دانش آموز بودند و به همین علت، هسته اولیه آن با نام «گروه محصل» شهرت یافت که پس از تعریف سازمانی و تشکیلات، «حزب ملل اسلامی» نامیده شد.

اولین اقدام این حزب - که هدف خود را «سرنگونی نظام سلطنتی و برقرار ساختن حاکمیت اسلام» تعیین کرده بود - تصویب برنامه ای ۶۵ ماده ای بود.

در این حزب، مراحل رسیدن به پیروزی به سه بخش اساسی تقسیم می شد.

مرحله اول: ازدیاد و تعلیم

در این مرحله، به رشد عددی و آموزش اعضا - با تأکید بر مخفی بودن صددرصدی - توجه شده بود. ابتدا شناسایی افراد و تبلیغ آنان برای عضویت، توسط اعضای هسته مرکزی و پس از آن از طریق سایر اعضا صورت می گرفت و آموزش افراد نیز از طریق نشریات و گفتگو عملی بود.

برای تحقق این منظور، اولین سخنرانی رهبر حزب - محمدکاظم بجنوردی - در نخستین جلسه کمیته مرکزی، در نشریه ای، انتشار یافت و پس از چندی ماهنامه ای تحت عنوان «خلق» با وسایلی بسیار ابتدایی،

تدوین و برای مطالعه، با شگردهای خاص، در اختیار اعضای قرارداده می شد.

مرحله دوم: استعداد

این مرحله به آمادگی رزمی مربوط بود که برای تحقق آن، رهبریت حزب، در سفری که به عراق داشت، دو قبضه سلاح کمری تهیه کرد تا از آن برای آموزش افراد، بهره گیرد.

مرحله سوم: ظهور

این مرحله، مبارزه علنی سراسری، پس از تحقق مراحل اول و دوم، با دو شرط اساسی:

الف - مشروعیت (عرفی و شرعی)

ب - توانایی (عدّه و عُدّه)

بود، که می بایست در سه مقطع عملی گردد:

۱- اعلام موجودیت حزب، که با دعوت همگانی برای عضویت همراه بود.

۲- اقدام به عملیات تخریبی، برای مشغول نمودن نهادهای امنیتی و انتظامی.

۳- آغاز مبارزه مسلحانه برای سرنگونی سلطنت و در دست گرفتن حکومت.

حزب ملل اسلامی، در حالی که هنوز در مرحله اول - ازدیاد و تعلیم- قرار داشت و موفق شده بود تا تعداد اعضای خود را به حدود عدد ۱۰۰ برساند، در اولین ساعت بامداد یکی از روزهای مهر ۱۳۴۴، به

صورت کاملاً اتفاقی کشف گردید.

گزارش این کشف اتفاقی، به شرح زیر است:

«در ساعت ۰۳۰۰ روز ۲۳/۷/۴۴ مأمورین گشت شهربانی به یک نفر که حامل کیف مشکی رنگی بوده ظنین و دستور توقف به وی داده و از محتویات کیف پرسش می نمایند. حامل کیف اظهار می دارد محتویات آن کتب دعا می باشد موقعی که مأمورین خواستار کیف

می گردند حامل با مشت به مأمور حمله و در عین حال کیف را به منزلی پرتاب و خود متواری می شود که مأمورین وی را تعقیب و دستگیر نموده و ضمناً کیف را از منزلی که به آن پرتاب شده بود با کسب اجازه از صاحب منزل داخل شده و به دست می آورند سپس نامبرده را به کلانتری محل جهت بازجویی های اولیه دلالت می نمایند ضمن بازرسی کیف چند شماره نشریه به نام (خلق) ارگان حزب ملل اسلامی و همچنین مقادیری اوراق پلی کپی شده دیگر به دست می آید و حامل خود را به نام محمدباقر فرزند ابوالفضل شهرت صنوبری شاگرد خرازی فروشی معرفی می نماید ولی از دادن هرگونه اطلاعی یا توضیح درباره محتویات کیف و سئوالاتی که از وی می شود خودداری می نماید.

نامبرده با مدارک مکشوفه به اداره اطلاعات اعزام و در اداره مزبور نیز در بدو امر از دادن توضیحات و بازجوئی امتناع ولی در اثر تذکرات لازم (۱) و ادامه بازجویی اعتراف نموده که نامبرده در یکی از حوزه های حزب ملل اسلامی عضویت دارد و این حزب هم برابر مدارک مکشوفه از اواخر سال ۱۳۴۳ تشکیل شده است.(۲)...

چون حدس زده می شد که علاوه بر محتویات کیف در منزل وی نیز اوراق مضره ای موجود باشد لذا با تشریفات قانونی منزل نامبرده بازرسی و مقادیری از اوراق مشابه محتویات کیف در منزل وی کشف گردید.(۳)

ص:۵۱

۱- در عبارت «تذاکرات لازم»، اعمال حشیانه ترین شکنجه مستتر است که با کمی دقت در جملات آن، قابل درک می باشد.
۲- انتساب تأسیس حزب ملل اسلامی به سال ۱۳۴۳ توسط شهربانی، شاهد این است که نیروهای اطلاعاتی شهربانی و ساواک هنگام فعالیت و عضوگیری حزب، هیچ گونه اطلاعی از آن نداشته اند.
۳- در سند دیگری که در همین باره تنظیم گردیده، ضمن آنکه آقای محمدباقر صنوبری را «دارای ریشی شبیه فدائیان اسلام» معرفی کرده، اقلام کشف شده را به شرح زیر، نوشته است: شماره ۹ که در آن ایران را مانند عروسکی تشبیه [که] در دست امریکا می رقصد. کتاب اسلام و دیگران نوشته سید قطب. کتاب درویش عرفانی از مکتب علوی یا اخلاق مرتضوی، کتاب عشق یا به یادگار عشق. کتاب یکصد برگی با خط درشت. نشریه ۲ انضباط شرط پیروزی است.» «سند ۱۹۶۵۶/۲۱ الف - ۲۶/۷/۴۴»

با بررسی اوراق مکشوفه چنین نتیجه گرفته شد که از اواخر سال گذشته حزبی تحت عنوان ملل اسلامی مشغول فعالیت گردیده و در این مدت هر ماه یک نشریه (خلق) که آخرین نشریه آن به شماره ۹ و به تاریخ اول مهر ماه ۴۴ می باشد به صورت پلی کپی تهیه و بین اعضاء خود به طور کاملاً سرّی توزیع نموده است...(۱)»

.

در همین مرحله بود که سرنوشت حزب ملل اسلامی به بن بست ظاهر ی رسید و با دستگیری دیگر اعضای حزب که تعدادی از آنها برای درگیری مسلحانه با مأموران رژیم به تپه های دارآباد پناه برده بودند، فعالیت آن در نیمه شب ۲۴/۷/۱۳۴۴ خاتمه یافت.

پس از این حرکت، نشریات فرمایشی رژیم شاهنشاهی به میدان آمدند تا زمینه را برای محکومیت های شدید اعضای حزب ملل اسلامی، آماده نمایند.

در این رابطه، روزنامه اطلاعات به تاریخ ۲/۱۱/۴۴، پس از شرح مفصل این ماجرا، نوشت:

«رهبران حزب پول زیادی برای وضع مخارج در اختیار داشتند منتهی در بازجویی ها اظهار داشته اند که از حق عضویت افراد تأمین شده است. باتوجه به کمی تعداد اعضا و عدم تناسب حق عضویت پرداختی آنها با میزان پولی که خرج می کردند، باید گفت که بودجه آنها از یک محل نامعلوم تهیه می شده است.»

این اظهارات در حالی در این روزنامه نقش بسته است که در گزارش مشروح شهربانی آخرین موجودی حزب پس از دستگیری مبلغ ۶۰۰۰ ریال عنوان گردیده که آن هم به عنوان مساعده در اختیار اعضا گذاشته شده است.

در روزنامه مرد مبارز که صاحب امتیاز آن، خلیل اسعد رزم آرا - فردی معلوم الحال و فاسدالاخلاق- بود و با حمایت ساواک منتشر می شد، در تأیید منویات آنان در تاریخ ۱۸/۱۱/۴۴ نوشت:

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی - سند ۲۳۷۵- ۲۴/۷/۴۴.

«گفته می شود در دادگاه متهمین حزب مخفی، نام دولت خارجی که به افراد این دسته اسلحه و پول می دادند اعلام می شود... این شبکه زیرزمینی به دست عوامل چند کشور خارجی اداره می شده است... متهمین این پرونده ۵۵ نفر هستند و دادستان دادگاه برای هشت نفر از آنان تقاضای اعدام نموده است.»

پس از برگزاری جلسات دادگاه و انعکاس آنچنانی آن در نشریات، تلاش هایی برای نجات دستگیرشدگان آغاز شد که از آن جمله، تلاش آیت الله العظمی میلانی (ره) بود.

نعمت الله نصیری - ریاست وقت ساواک - با اطلاع از این موضوع برآشفت و در رهنمودی که دارای ۴ بند بود، به تحقیق پیرامون ارتباط حزب ملل اسلامی با علماء دستور داد. عین این دستورالعمل به شرح زیر است:

«اداره کل سوم

۱- ورود پسر میلانی در قم به منزل مهدی حائری تهرانی دلیل بر ارتباط محرمانه و مورد اعتماد بودن سیدمهدی از طرف میلانی است و یقیناً ارتباط هایی در گذشته داشته اند چه معلومات و اطلاعاتی در این زمینه در آن اداره و در ساواک قم وجود دارد.

۲- این فعالیتی که اخیراً از طرف روحانیون در مورد این افراد جمعیت ملل اسلامی شروع شده، خود دلیل ارتباط آقایان علما با آنها است که باید در تحقیقات معلوم شود.

۳- پیشوایی پیشنماز مسجد امام قم که فرزندش جزء دستگیر شدگان است یقیناً این جمعیت در قم هم ریشه داشته باید این ریشه ها پیدا شود.

۴- دلیل این که میلانی در این مورد زیاد فعالیت می کند باید معلوم شود.(۱)»

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی - سند پی نوشت نصیری.

پس از تلاش های بسیاری که صورت گرفت، در تاریخ ۱۵/۱۲/۱۳۴۴، دادگاه عادی شماره ۱ اداره دادرسی ارتش، رأی صادره درباره محکومیت اعضای حزب را به شرح زیر اعلام کرد:

«در ساعت ۳۰/۱۱ روز ۱۵/۱۲/۴۴ دادگاه عادی شماره ۱ اداره دادرسی ارتش مأمور رسیدگی به پرونده ۵۵ نفر اعضاء حزب ملل اسلامی تشکیل گردید و رأی صادره درباره محکومیت هر یک از اعضاء حزب مزبور بشرح زیر به محکومین ابلاغ گردید:

۱. محمدکاظم موسوی بجنوردی (رهبر حزب محکوم به اعدام)

۲. دو نفر به اسامی حسن حامد عزیزی و سیدمحمد سیدمحمودی قمی (به ترتیب دبیر و صندوقدار حزب) محکوم به اعدام ولی به علت جوانی و اظهار ندامت و پشیمانی هریک از آنان محکوم به حبس دائم با اعمال شاقه.

۳. پنج نفر به اسامی محمد پیران - عباسعلی مظاهری عمرانی - ابوالقاسم سرحدی زاده - علی نورصادقی و محمد میرمحمدصادقی محکوم به اعدام لیکن با توجه به اظهار ندامت و پشیمانی و جوانی هریک از آنان محکوم به ۱۵ سال حبس مجرد.

۴. سه نفر از اعضاء حزب محکوم به ۸ سال حبس مجرد

۵. چهار نفر از اعضاء حزب محکوم به ۵ سال حبس مجرد

۶. هفت نفر از اعضاء حزب محکوم به ۴ سال حبس مجرد

۷. سه نفر از اعضاء حزب محکوم به ۳ سال و شش ماه حبس مجرد

۸. بیست و هفت نفر از اعضاء حزب محکوم به سه سال حبس مجرد

۹. سه نفر دیگر از اعضاء حزب چون به سن قانونی نرسیده اند هریک به سه سال حبس تأدیبی محکومیت یافته اند.»

ص:۵۴

پس از این اعلام، تلاش خانواده های زنـدانیان نیز برای تقلیل محکومیت آنان آغاز شد. نمونه ای از این تلاش ها به شـرح زیر است:

از: اداره کل سوم ۳۱۶

به: ریاست ساواک تهران

درباره: حزب ملل اسلامی

به طوری که اخیراً مشاهده گردیده اغلب روزها تعداد قابل توجهی از اشـخاص مختلف و یا بسـتگان اعضا حزب اسـلامی جلو دادسـتانی ارتش تجمع و ظـاهراً بـا اظهـار عجز نسبت به محکومیت اعضاء حزب مزبور اظهار نارضایتی و بعضاً مزاحمت هایی ایجاد می نمایند. علی هذا خواهشـمند است دسـتور فرمایید به وسیله منابع مربوطه تحقیق شود که آیا اشخاص مزبور محرکینی در مورد انجام این گونه اعمال دارند یا خیر؟

در صورت اول نسبت به تعیین مشخصات، نحوه فعالیت و ارتباط محرکین با سایر جمعیت ها (سیاسی و مذهبی و غیره) اقدام و نتیجه را اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم

از طرف

محترماً در اجرای امریه مدیریت کل نامه تقدیمی تهیه شده است. ۲۵/۱۲/۴۶

منبع خبر - دادستان ارتش ۲۵/۱۲

متعاقب این تلاشها بود که سیدمحمدکاظم بجنوردی نیز از اعدام رهایی یافت و به حبس ابد محکوم شد.

این پرونده که در اداره اطلاعات شهربانی پیگیری می شد، در یک گزارش ۵ صفحه ای، تشریح گردیده است.

مطالب این گزارش در پی آمده و پس از آن اصل اسناد گزارش عیناً درج شده است.

ص:۵۵

گزارش درباره کشف سازمان مخفی بنام حزب ملل اسلامی

الف - چگونگی و طرز کشف:

۱- ساعت ۳ صبح روز ۲۳/۷/۴۴ مأمورین گشت در شهری به یک نفر عابر که حامل کیف دستی مشکی رنگ بوده مظنون میشوند از محتویات کیف پرسش می نمایند حامل کیف ناگهانی به مأمور حمله و ضمن پرتاپ کیف به بام منزلی متواری می گردد. مأمورین وی را تعقیب و دستگیر ضمناً کیف را نیز از صاحب منزلی که به آنجا پرتاب کرده بوده اخذ می نمایند.

۲- در بازرسی که از محتویات کیف به عمل می آید مقداری اوراق پلی کپی شده از قبیل روزنامه (خلق) و نشریات دیگری که مربوط به حزب ملل اسلامی بوده کشف می گردد.

۳- نظربه اینکه تاکنون حزب یا جمعیت یا سازمانی به این نام برای این اداره شناخته نشده بودند لذا از حامل کیف (محمدباقر فرزند ابوالفضل شهرت صنوبری هیجده ساله شاگرد خرازی فروش) یک سلسله تحقیقات و بازجوئی شروع و نامبرده در بدو امر از اظهار هرگونه پاسخ و توضیحی درباره اوراق مکشوفه جداً خودداری می نمود تا اینکه در اثر ادامه بازجوئی و تذکرات لازم اعتراف کرد که از چند ماه قبل به عضویت حزب ملل اسلامی در آمده است و رابط بالا دست وی شخصی به نام محمد میرمحمدصادقی می باشد و با دو نفر دیگر به نام هادی شمس حائری و جواد منصوری در کلاس (حوزه) به مسئولیت میرمحمد صادقی شرکت می نمایند.

۴- بلافاصله پس از اخذ اعترافات از نامبرده به منظور کشف مدارک دیگر منزل وی با تشریفات قانونی بازرسی و مقادیر دیگری از نشریات منظور نیز در منزل بدست آمد و به موازات این بازرسی نسبت به دستگیری هادی شمس حائری و جواد منصوری نیز اقدام گردید ضمناً نسبت به دستگیری رابط بالا دست وی میرمحمد صادقی نیز اقدام و منزل نامبرده اخیر، بازرسی و مقادیر زیادی اوراق مشابه مدارک مکشوفه

قبلی کشف ولیکن چون میرمحمد صادقی به مسافرت اصـفهان رفته بود ضمن مراقبت منزل به شهربانی اصفهان نیز دستور داده شد که نسبت به دستگیری و اعزام وی اقدام نماید، نامبرده در ساعت ۲۳ روز بعد (۲۴/۷/۴۴) پس از مراجعت از اصـفهان در حین دخول به منزل به وسیله مأمورین دستگیر گردید.

۵- دو نفر دستگیر شده (هادی شـمس حائری و جواد منصوری) در بازجوئی گفته های صنوبری را تأیید و اعتراف نمودند که از چند ماه قبل به معرفی میرمحمد صادقی به عضویت حزب ملل اسلامی در آمده اند.

میرمحمـد صـادقی نیز اعتراف نمود که با عنوان رئیس مـدرسه مسئول اداره سه کلاس حزبی است که در هر کلاس چهار نفر عضویت دارنـد و ضـمناً رابط بالا دست خود را فردی بنام محمـد سـیدمحمودی معرفی و سـمت وی را نیز رئیس واحـد حزبی قلمداد نمود و در بازرسـی بدنی یک جلد دفتر یادداشت که اسامی اعضاء و شـماره های حزبی آنها به حروف رمز نوشته شده به انضمام مفتاح رمز کشف گردید.

۶- نسبت به دستگیری و بازرسـی منزل سـید محمودی نیز اقدام و ضمن دستگیری وی مقادیر زیادی از اوراق مکشوفه قبلی و اوراق مربوط به اعلامیه های روحانیون بدست آمد.

۷- در نتیجه تحقیقات و بازجویی های معموله سـید محمودی اعتراف نمود که علاوه بر مسئولیت یک واحد حزبی صندوقدار کمیته مرکزی حزب ملـل اسـلامی نیز می باشـد ضـمناً اسـامی سـایر اعضاء کمیته مرکزی را نیز افشاء نمود نظر به اینکه نامبرده صنـدوق دار حزب بوده در اثر ادامه بازجویی از وی مأمورین به محل اختفای مدارک و وسایل کمیته مرکزی حزب پی برده و بـا تشـریفات قانونی در معیت نامبرده محل مزبور بازرسـی و کلیه اوراق و نشـریات و روزنامه ها و دفاتر دخل و خرج و اسامی اعضاء حزب که به رمز نوشته شده و همچنین دستگاه پلی کپی و ماشین تحریر و دستگاه ضبط صوت و وسایل آزمایشگاهی و چند جلد کتاب و غیره کشف گردید.

۸- پس از اخذ اعترافات از سید محمودی و شناختن تعداد بیشتری از اعضاء فعال حزب ملل اسلامی نسبت به دستگیری سایرین نیز اقدام [شد.] چون اطلاع حاصل شد که در اثر دستگیری چند نفر از آنها سایرین مطلع شده تعدادی به کوهستانهای شمالی تهران با اسلحه پناه برده و تعدادی نیز در تهران مخفی گردیده اند لذا در اثر تعقیب و مراقبتهای لازم بدواً سه نفر از مخفی شدگان در تهران به نام حسن حامد عزیزی- علی نورصادقی- احمد احمد در روز ۲۷/۷/۴۴ دستگیر و برای تعقیب متواریان به کوههای شمالی شمیران پنج اکیپ مجهز تعقیبی در ساعت ۱۸ روز ۲۷/۷/۴۴ اعزام و شبانه جاده های عبور کوهستان مزبور را اشغال و محاصره می نمایند، در اثر محاصره و فشار مأمورین تعقیب، شش نفری که به کوهستان پناه برده اند به دو اکیپ سه نفری تقسیم می گردند که یکی از اکیپ ها چون قصد داشته از حلقه محاصره خود را نجات دهد در ساعت ۲۴ روز ۲۷/۷/۴۴ ضمن تیراندازی به طرف مأمورین تعقیب با یک قبضه اسلحه کمری والتر و پنجاه و یک تیر فشنگ مربوطه دستگیر و صبح روز ۲۸/۷/۴۴ به این اداره اعزام گردیدند، اکیپ سه نفری دیگر که طبق اطلاع آنها نیز دارای یک قبضه سلاح کمری می باشند در کوهستان مخفی هستند و تا ساعت تنظیم این گزارش مشاهده نشده اند و احتمال می رود که قریباً دستگیر شوند.

۹- رهبر حزب محمدکاظم موسوی بجنوردی از ایرانیان مقیم عراق ۲۴ ساله در چهار سال قبل از عراق به ایران وارد و با استفاده از کمک های مالی بنیاد پهلوی در دبیرستان به تحصیل مشغول و سپس دوره وظیفه خود را در سپاه دانش که چهار ماه اولیه آن را در رضائیه و بقیه مدت خدمت را در اطراف قم انجام داده جزء دستگیر شدگان کوهستان می باشد که به طرف مأمورین تیراندازی کرده است.

نامبرده پس از خاتمه سپاه دانش در مرداد ماه سال جاری به عراق عزیمت و پس از یک ماه توقف در آنجا و خرید دو قبضه اسلحه کمری با فشنگ مربوطه به ایران مراجعت نموده است، در بازجویی های معموله

ص:۵۸

صریحاً اعتراف کرده که از سال ۱۳۴۱ حزب ملل اسلامی را به طور کاملاً محرمانه تشکیل داده و در صدد جمع آوری عضو بوده است و مسئولیت کلیه نشریات و روزنامه های حزب نیز با همکاری چند نفر دیگر به عهده وی بوده است.

۱۰- دبیر حزب حسن حامدی عزیزی نیز مانند موسوی از ایرانیان مقیم عراق بوده و به ترتیب فوق در ایران به تحصیل اشتغال داشته و فعلاً نیز آموزگار دبستان قائمیه تهران می باشد نامبرده نیز که در تهران مخفی شده بود روز قبل دستگیر شده است و ضمن تحقیقات اعتراف کرده که کلیه کارهای دبیری و تنظیمات حزب به عهده وی بوده است.

ب - سازمان حزب ملل اسلامی:

۱- برابر مدارک مکشوفه سازمان حزب ملل اسلامی به ترتیب عبارتند از:

کلاس دارای چهار عضو

مدرسه شامل سه کلاس

واحد شامل دو مدرسه

شاخه دارای دو واحد

دسته شامل دو شاخه

گروه شامل دو دسته

کادر

شبکه

کمیته مرکزی

۲- از بررسی دفاتر اسامی اعضاء که بدست آمده و به رمز نوشته شده معلوم می گردد که در حدود ۱۲۹ نفر تاکنون به عضویت این حزب در آمده اند که تعدادی از آنها به علت تخلفات حزبی و عدم اطمینان طرد گردیده اند که در حال حاضر در حدود ۷۰ الی ۸۰ نفر عضو رسمی دارند.

۳- برای اختفاء جهت هر یک از اعضاء رسمی یک شماره حزبی از طرف کمیته مرکزی تعیین شده است و جهت اعضاء کمیته مرکزی به جای شماره حزبی اسم مستعار انتخاب گردیده است.

۴- فعلاً غیر از تهران در سایر شهرستانها شعبی تشکیل نگردیده فقط چند نفر در قم و عراق عضو دارند.

۵- با بررسی دفاتر ثبت اسامی اعضاء و تحقیقاتی که به عمل آمده سن متوسط اعضاء فعلی این حزب ۲۵ ساله بوده و به ندرت اشخاص ۳۰ ساله در بین آنها دیده می شود.

۶- معمولاً اعضاء فعلی حزب ملل اسلامی اکثراً از طبقه ای هستند که علاقه وافری به مطالعه دارند و برابر آمار تقریبی از لحاظ شغل ذیلاً طبقه بندی می شوند:

دانش آموز دبیرستانی ۲۱ نفر

دانشجو ۷ نفر

آموزگار ۱۵ نفر

دیپلمه بیکار ۷ نفر

کارگر ۸ نفر

پیشه ور و متفرقه ۲۰ نفر

۷- سه نفر از اعضاء حزب ملل اسلامی بشرح زیر در واحدها ی ارتشی مشغول انجام خدمت وظیفه عمومی می باشند.

(۱) محمدحسن یا محمدحسین شهری مهندس برق در پادگان سلطنت آباد

(۲) رئیس دانائی مهندس مکانیک افسر وظیفه در شیراز

(۳) محمد پیران گروهبان وظیفه در بیمارستان لشکر رضائیه

پ - نظریات و افکار گردانندگان و وابستگان حزب ملل اسلامی:

۱- از بررسی نشریه ها و روزنامه های مکشوفه همچنین اقاریر و اعترافات صریح دستگیرشدگان استنباط گردیده که هدف آنها از تشکیل

چنین حزبی ضدیت با رژیم سلطنتی و برقراری حکومت جمهوری از طریق انقلاب توده ای می باشد و برای نیل به منظور خود ظاهراً جنبه دینی را عنوان نموده اند.

۲- برای ایجاد قدرت در صدد ازدیاد عضو و بدست آوردن اسلحه و ساختن مواد تخریبی از قبیل نارنجک بوده اند و برای این منظور دستورات متعدد حزبی در نشریه ها به اعضاء حزب داده شده است.

ت – امکانات مالی:

۱. از اعضاء حزب ماهیانه وجوهی به نام حق عضویت که حداقل آن پنجاه ریال است دریافت می دارند.

۲. برای مخارج تهیه اسلحه و دستگاههای پلی کپی و ماشین تحریر و وسایل گران قیمت علاوه بر حق عضویت مبالغی نیز بعضی از گردانندگان و اعضایی که وضع مالی بهتر دارند کمک می نمایند.

۳. با بررسی دفتر دخل و خرج معلوم گردید غیر از وجوه مذکور در بندها ی ۱ و ۲ از طرف مقامات یا سازمانهای دیگر کمک های مالی به این حزب نشده است.

۴. آخرین رقم موجودی حزب (۲۳/۷/۴۴) در حدود شش هزار ریال بوده که آن هم به طور قرض در اختیار اعضاء کمیته مرکزی گذارده شده است.

ث – اسلحه:

طبق تحقیقاتی که به عمل آمده و با بررسی دفاتر مربوطه تاکنون فقط توانسته اند دو قبضه اسلحه کمری با یکصد وپنجاه تیر فشنگ تهیه نمایند.

ج – وسایل تبلیغاتی:

۱. روزنامه خلق که از اول بهمن ماه ۱۳۴۳ تا اول مهر ماه ۱۳۴۴ نه شماره چاپ و فقط بین اعضاء رسمی توزیع شده است.

۲. پانزده نشریه حاوی مطالب سیاسی و انقلابی و تحریک کننده برای

ص:۶۱

بالا بردن سطح معلومات عمومی اعضاء منتشر ساخته اند.

۳. چهار نشریه دیگر نیز به عنوان سوسیالیسم، کاپیتالیسم، تاریخ اسلام، تعلیماتی از قرآن و بزرگان اسلام چاپ و بین اعضاء توزیع کرده اند.

۴. برای حزب پرچمی قرمز رنگ که در وسط آن ستاره هشت پر در داخل دایره سفیدی قرار گرفته انتخاب ولی هنوز رسمیت آن به تصویب کمیته مرکزی نرسیده است.

تبصره: توضیح اینکه از تحقیقات و بررسی های معموله استنباط گردیده که از نظر اختفاء و حفظ اسرار تاکنون به غیر از اعضاء رسمی به هیچ وجه از نشریات مزبور برای سایرین ارسال نگردیده و حتی چند نفر از اعضاء که از نشریه های مزبور را به دوستان نزدیک و غیر حزبی خود ارائه داده اند مطرود شناخته شده اند و از حزب اخراج گردیده اند.

چ - پیوست نمونه مدارک مکشوفه:

۱. نه شماره روزنامه خلق از شماره ۱ تا ۹

۲. پانزده نشریه (از نشریه اول تا شماره پانزده)

۳. چهار جلد نشریه: سوسیالیسم، کاپیتالیسم، تعلیماتی از قرآن و بزرگان اسلام، تاریخ اسلام

۴. نشریه مواد تنظیمی حزب ملل اسلامی (شامل ۲۵ ماده)

۵. برنامه حزب ملل اسلامی

۶. پرسشنامه

۷. دستورالعمل قرائت نشریات در کلاسها

۸. دو نمونه مفتاح رمزهای مکشوفه (رمز دبیر حزب - رمز یکی از مدارس)

ص:۶۲

اسنادی از حزب ملل اسلامی

اسنادی که در پی می آید، از جمله سندهایی است که از ساواک درباره «حزب ملل اسلامی» به دست آمده و «برنامه حزب ملل اسلامی» نام گرفته و در سه قسمت تنظیم شده است.

قسمت اول «اصول کلی» این حزب را نشان می دهد. ۶۵ اصل این برنامه به سیاست های کلی حزب پرداخته است.

قسمت دوم، «مواد تنظیمی» حزب ملل اسلامی است که به منزله روش های اجرایی فعالیت این حزب است.

قسمت سوم «شرح مواد تنظیمی» است که به توضیح قسمت پیشین پرداخته است. البته این قسمت، تنها به شرح سه ماده از مواد بیست و پنج گانه تنظیمی حزب پرداخته است و مابقی شرح مواد تنظیمی در اسناد یافت نشد.

برای سهولت مطالعه پژوهشگران و علاقمندان، ضمن آن که اصل اسناد به چاپ رسیده، متن سندها نیز حروفچینی شده است. در حروفچینی سندها، غیر از رعایت اصول ویرایشی، کلمه ای حذف و یا تغییر داده نشده، مگر آن که اصل آن در پاورقی آمده است.

آنچه در پی می آید، متن حروفچینی شده سندها، به همراه اصل سندهاست.

ص:۷۱

برنامه حزب ملل اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

اصول کلی

اصل (۱) – حزب ملل تابع قوانین اسلامی است و قوانینی که مخالف اسلام است قابل اجرا نخواهد بود.

اصل (۲) – مبنای کلی قانون قرآن، سنت، دلیل عقلی و اجماع است.

اصل (۳) – زمینهای مسلمان نشین جزء لاینفک دولت اسلامی است.

اصل (۴) – حزب ملل دارای مرامی فکری و انقلابی است:

الف) فکری است زیرا تمام جهانیان را به طور عموم و مساوی دعوت نموده و آنان را به یک ملت واحدی تبدیل می کند.

ب) انقلابی است چون می خواهد اجتماع نوینی براساس فلسفه اسلام(۱) بنا کند.

سیاست داخلی

اصل (۵) – کمیته مرکزی حزب ملل مرجع اعلای دولت اسلامی می باشد و ریاست عالیه آن با رهبر حزب است.

اصل (۶) – عزل و نصب رهبر حزب از اختیارات کمیته مرکزی است.

۱- . اصل: براساس و فلسفه اسلام

اصل (۷) – چنانچه مجلس مردم و یا مجلس بزرگان عدم رضایت خود را از سیاست جاریه حکومت اسلامی اعلام نمود کمیته مرکزی بر عهده خود می شناسد که دلایل عدم رضایت هر یک از مجلسین را بررسی و سیاست جاریه حکومت اسلامی را توجیه نماید. در صورتی که این عدم رضایت مرتفع نگردد کمیته مرکزی رهبر حزب را تغییر خواهد داد.

اصل (۸) – پارلمان دولت اسلامی از دو مجلس تشکیل شده است:

الف) مجلس مردم: اعضای این مجلس بر حسب احتیاج کم و زیاد می شوند و برای مدت دو سال مستقیماً از طرف کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد انتخاب می شوند.

ب) مجلس بزرگان: دو سوم اعضای آن مستقیماً از طرف مردم برای مدت ۶ سال انتخاب می شوند و بقیه را که اعضای دایمی هستند کمیته مرکزی حزب تعیین می کند.

اصل (۹) – از شرایط عضویت مجلس بزرگان اجتهاد و عدالت است.

اصل (۱۰) – هر قانونی پس از تصویب در مجلس بزرگان اجرا می گردد.

اصل (۱۱) – پارلمان دولت اسلامی مقنن قانون نیست بلکه وظیفه آن نظارت بر کلیه برنامه ها و رساندن خواسته های مردم به دولت است.

اصل (۱۲) – دولت اسلامی فعالیت کلیه احزاب را غیر مجاز می شمرد.

اصل (۱۳) – تمام مردها در سن (۱۹) سالگی باید یک دوره خدمت سربازی که مدت آن دو سال تمام است ببینند مگر آن کسانی که مشغول به ادامه تحصیل هستند.

اصل (۱۴) – ولایات متحده اسلامی با رعایت محیط و اصول جغرافیایی و استراتژیکی به ولایات تقسیم می گردد و هر ولایتی دارای یک شماره بخصوصی است.

اصل (۱۵) – رئیس جمهور هر ولایت مستقیماً از طرف مردم آن برای مدت چهار سال انتخاب می شود.

اصل (۱۶) - رهبر حزب ملل می تواند رئیس جمهور هر ولایت را از پست خود عزل و امر به تجدید انتخابات بنماید.

اصل (۱۷) - تمام ولایات در اجرای برنامه هایی که در مرکز طرح ریزی شده و همچنین در امور داخلی مستقل هستند مگر در امور نظامی که مستقیماً تابع فرماندهی مرکز می باشند.(۱)

اصل (۱۸) - وزرای ولایات متحده اسلامی از طرف رهبر حزب تعیین می گردند.

سیاست خارجی

اصل (۱۹) - یکی از بزرگ ترین هدف های دولت اسلامی تحقق صلح جهانی است و این خود یکی از شعارهای حزب ملل است.

اصل (۲۰) - حزب ملل همیشه از حقوق ملل ضعیف پشتیبانی می کند.

اصل (۲۱) - ما در پیمان های خارجی خود سیاست استوار را پیش می گیریم.

اصل (۲۲) - سیاست حزب ملل براساس دوستی و صلح برقرار است و استعداد آن را دارد که با تمام ملل جهان پیمان دوستی برقرار کند.

اصل (۲۳) - سیاست حزب ملل بر اساس [اصول] ضد استعماری است و همیشه می کوشد ملت ها را از یوغ استعمار نجات دهد.

اصل (۲۴) - رژیم مرتجع و پوسیده امپریالیسم سبب تضییع حقوق کارگران است لذا ما مسلمان ها می کوشیم از راه مسالمت آمیز زنجیر بردگی توده های کارگر را پاره کنیم.

اصل (۲۵) - سیاست حزب ملل بر اصل عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر است زیرا حق انتخاب مرام و نظام سیاسی هر مملکت بستگی به خواست و تصمیم مردم آن مملکت دارد.

اصل (۲۶) - ما مسلمان ها تمام تصادمات با دیگران را از راه سیاست

۱- اصل: می باشد

مسالمت آمیز حل و فصل می کنیم.

اصل (۲۷) - سازمان ملل متحد وقتی می تواند حقوق ملت های ضعیف را تأمین نماید که از نفوذ شرق و غرب مصون باشد، به همین علت حزب ملل می کوشد با از بین بردن این نفوذ، به سازمان ملل(۱) جنبه همگانی بدهد.

سیاست اقتصادی

اصل (۲۸) - حکومت اسلامی مالکیت فردی و حق عمومی را محترم می شمرد.

اصل (۲۹) - مسأله زمین های مزروعی غصبی و مجهول المالک، بسته به نظریه و تصویب مجلس بزرگان است.

اصل (۳۰) - زمین هایی که متعلق به حکومت اسلامی است طبق قراردادی بین کشاورزان تقسیم می شود.

اصل (۳۱) - در زمینی که دو سال در آن کشت نشود اختیارش از مالک گرفته شده و به کسان دیگر که بخواهند زراعت کنند داده می شود.

اصل (۳۲) - حکومت اسلامی با وسایل جدیدی که در اختیار زارعین می گذارد بر میزان محصول هر سال می افزاید.

اصل (۳۳) - حکومت اسلامی طی برنامه ای می کوشد تا زراعت و صنایع را دسته جمعی نماید.

اصل (۳۴) - حکومت اسلامی می کوشد تا ولایات متحده اسلامی را صنعتی ساخته و هر چه زودتر به جهش اقتصادی برساند.

اصل (۳۵) - کلیه معادنی که در زمین های غیر شخصی وجود دارد حق همگانی بوده و به وسیله حکومت اسلامی بهره برداری می شود و چنانچه معدنی در زمین ملکی فردی پیدا شود صاحب ملک می تواند از آن بهره برداری کند.

۱- اصل: سازمان ملل را

اصل (۳۶) - کلیه صادرات و واردات تحت نظر حکومت اسلامی است.

اصل (۳۷) - تجارت و زیاد کردن ثروت محدود است به حدود قوانین اسلام.

اصل (۳۸) - کلیه بانک هایی که در رفاهیت مردم و وضع اقتصادی دخالت دارند ملی شده و بر وجوه پرداختی و دریافتی، سود و کارمزد تعلق نمی گیرد.

اصل (۳۹) - حکومت اسلامی حافظ حقوق کارگران است و روابط کارگر و کارفرما را شدیداً کنترل نموده و از هرگونه ظلمی جلوگیری می کند.

اصل (۴۰) - ساعات کار و مزد کارگران طبق اصول فنی تعیین می شود.

اصل (۴۱) - حکومت اسلامی ضامن کار کارگران است و این مشکل را با ایجاد کارخانجات مدرن مرتفع می سازد.

اصل (۴۲) - حکومت اسلامی موظف است طی برنامه ای، موجباتی در امر ازدواج بنماید تا هر کارگری [و] کشاورزی بتواند به این وظیفه اجتماعی اقدام کند و چنانچه بعضی از کارگران و کشاورزان و یا سایر طبقات به علت ضعف مالی قادر به ازدواج نباشند بر حکومت اسلامی است که مخارج ازدواج آنان را بپردازد.

اصل (۴۳) - حکومت اسلامی ملزم است مسکن کارگران و کشاورزان راتهیه نماید.

اصل (۴۴) - در آغاز تشکیل حکومت اسلامی یک پنجم تمام ثروتها گرفته می شود؛ مگر آن ثروت هایی که خمسش داده شده و یا اصولاً خمس بر آن تعلق نمی گیرد.

اصل (۴۵) - مالیات طبق قوانین اسلام گرفته شده و با نظر حکومت اسلامی قابل تغییر است.

اصل (۴۶) - مالیات امور دفاعی به نسبت درآمد گرفته می شود و تنها مصرف آن برای تقویت نیروهای ولایات متحده اسلامی است.

اصل (۴۷) - یک پنجم درآمدهای خالص به وسیله حکومت اسلامی گرفته شده و به مصارف مخصوص آن می رسد.

اصل (۴۸) - از آن ثروت هایی که زکات شاملشان می شود طبق قوانین اسلام زکات گرفته می شود.

اصل (۴۹) - مالیاتی به اضافه زکات، از کسانی که در زمین های خراجیه زراعت می کنند گرفته خواهد شد.

اصل (۵۰) - بودجه ولایات متحده اسلامی باید به تصویب کمیته مرکزی برسد.

اصل (۵۱) - حکومت اسلامی ملزم است زندگانی آن کسانی را که درآمدشان از خرج سالیانه کمتر است تأمین سازد.

اصل (۵۲) - آن کسانی که قادر به کار نیستند و سرپرستی هم ندارند حکومت اسلامی برای آنها دارالعجزه هایی ایجاد می کند(۱) و این مشکل را رفع می سازد.

برنامه قضایی

اصل (۵۳) - در مرکز ولایات متحده اسلامی وزیر دادگستری وجود دارد که از طرف مجلس بزرگان انتخاب می گردد.

اصل (۵۴) - وزیر دادگستری باید از قضات عالی رتبه بوده و نظر رئیس حکومت اسلامی با انتخاب مجلس بزرگان توأم باشد.

اصل (۵۵) - هر ولایتی در امور قضایی مستقل بوده و قضات آن از طرف قاضی عالی ولایت انتخاب می شوند.

اصل (۵۶) - شرایط حق قضاوت به عینه همان شرایطی است که اسلام دراین مورد مقرر داشته است.

اصل (۵۷) - نظارت مستقیم بر امور قضایی ولایات و همچنین رسیدگی به شکایت مردم از قضات ولایات و نیز انتخاب و عزل قاضی

۱- اصل: ایجاد گردد.

عالی هر ولایت با وزیر دادگستری ولایات متحده اسلامی است.

برنامه فرهنگی

اصل (۵۸) - مقامات فرهنگی حکومت اسلامی ملزم هستند تمام مراحل تحصیلی را به طور مجانی در اختیار مردم بگذارند و در این امر استثنایی برای زن و مرد نیست.

اصل (۵۹) - مقامات فرهنگی حکومت اسلامی با تأسیس آزمایشگاههای بزرگ و دانشگاه های متعدد و ایجاد دبستان و دبیرستان های فراوان در تمام نقاط ولایات متحده اسلامی، بی سوادی را ریشه کن و نابود ساخته و سطح علمی را با سرعت زیاد بالا می برند.

اصل (۶۰) - از طرف کمیته شبکه محصلین، تعلیماتی به مقامات فرهنگی داده می شود که به موجب آن محصلین به یک شخصیت اسلامی تبدیل گردند.

اصل (۶۱) - علم تربیت و روانشناسی در برنامه زنها یکی از مواد مهم خواهد بود.

اصل (۶۲) - حکومت اسلامی برنامه هایی تنظیم می کند که به موجب آن تمام زنها و مردها بتوانند تا دوازده کلاس تحصیل نمایند.

اصل (۶۳) - هر پیشامدی که مخل ادامه تحصیل(۱) باشد حکومت اسلامی آن را رفع می سازد.

اصل (۶۴) - یک نوع از ورزشهایی که خوی سلحشوری را در روحیه مردها قوی می سازد در برنامه آنان گنجانیده می شود.

اصل (۶۵) - تمام محصلین ضمن برنامه درسی، از کلاس نهم تا دوازدهم باید تعلیمات جنگی را فرا گیرند.

۱- اصل: مخل برد ادامه تحصیل

بسم الله الرحمن الرحیم

مواد تنظیمی حزب ملل

ماده (۱) - حزب ملل فردی نیست و در هر محیط و زمانی به کار خود ادامه می دهد.

ماده (۲) - تمام مردان و زنان مسلمان جهان که کمتر از شانزده سال نداشته باشند می توانند به عضویت حزب ملل درآیند.

ماده (۳) - کلاس های تعلیمی و تنظیمی زنان از مردان مجزا است.

ماده (۴) - هر عضوی که خیانت از او سرزند جزایش مرگ است.

ماده (۵) - تشخیص خیانت و نوع آن با کمیته مرکزی است.

ماده (۶) - تمام اعضای حزب باید انضباط کامل داشته باشند و در صورت تخلف از رتبه حزبی آنان کاسته خواهد شد.

ماده (۷) - هیچ یک از اعضای حزب حق افشای نام افراد حزبی را ندارد.

ماده (۸) - هر یک از اعضای حزب ملزم است حق عضویت بپردازد مگر آن کسانی که به علت ضعف مالی قادر به پرداخت نباشند.(۱)

ماده (۹) - اعضای کمیته مرکزی همیشگی هستند مگر در موارد بخصوصی که با تصویب رهبر حزب و دوسوم اعضای کمیته مرکزی تجدید و تبدیل در آن

۱- اصل: نباشد

ممکن است.

ماده (۱۰) – عزل و نصب رهبر حزب مستقیماً به وسیله کمیته مرکزی به اکثریت آرا صورت می گیرد و معاونان احتیاطی را خود رهبر حزب از میان اعضای کمیته مرکزی برمی گزیند.

ماده (۱۱) – رهبر حزب پس از عزل و یا استعفا یکی از اعضای کمیته مرکزی خواهد شد.

ماده (۱۲) – چنانچه رهبر حزب به عللی از مرکز فرماندهی و کمیته مرکزی غیبت نمود معاون شماره یک موقتاً تا برگشت رهبر حزب اداره امور حزب را عهده دار می گردد و در صورت فوت رهبر حزب، معاون شماره یک تا تعیین رهبر جدید، رهبر حزب خواهد بود.

ماده (۱۳) – اجتماع اعضای کمیته مرکزی وقتی صورت رسمیت پیدا می کند که رهبر حزب و حداقل سه چهارم اعضا حضور داشته باشند.

ماده (۱۴) – تصمیمات کمیته مرکزی وقتی قابل اجرا است که به تصویب رهبر حزب و اکثر اعضای کمیته مرکزی رسیده باشد.

ماده (۱۵) – هیچ یک از اعضای کمیته مرکزی و سایر اعضای حزب ملل مصونیت حزبی ندارند و همگی مانند سایر افراد غیر حزبی در مقابل قانون مساوی و مسؤول خواهند بود.

ماده (۱۶) – ستون های سازمانی حزب را شبکه ها تشکیل می دهند و هر شبکه به ترتیب به: کادر، گروه، دسته، شاخه، واحد و مدرسه تقسیم می شود.

ماده (۱۷) – اعطای درجات حزبی و نشان های حزبی باید به تصویب رهبر حزب و اکثریت اعضای کمیته مرکزی برسد.

ماده (۱۸) – هر شبکه ای دارای کمیته های فرعی تنظیمی فرهنگی و اقتصادی است که همگی تابع کمیته شبکه می باشند.

ماده (۱۹) – برنامه های تعلیمی در کمیته های فرعی فرهنگی تهیه شده و پس از تصویب آن در کمیته مرکزی اجرا می گردد.

ماده (۲۰) – رئیس کمیته هر شبکه با دو معاون خود مستقیماً با کمیته مرکزی مربوطند.

ماده (۲۱) - به طور کلی تمام هزینه ها و مخارج حزب باید به تصویب کمیته مرکزی برسد.

ماده (۲۲) - تمام احزاب ملل که در خارج از ولایات متحده اسلامی تأسیس می گردند تحت نظارت کمیته بین المللی حزب ملل (اتحاد خلق) بوده و تعلیمات خود را مستقیماً از این کمیته دریافت می دارند.

ماده (۲۳) - اتحاد خلق زیر نظر مستقیم کمیته مرکزی اداره می شود و محل کار آن در مرکز ولایات متحده اسلامی است.

ماده (۲۴) - هر شخصی که بخواهد عضو حزب ملل گردد باید دوبار سوگند یاد کند:

۱) در ابتدای دعوت برای محفوظ داشتن راز؛

۲) پس از خواندن برنامه حزب برای باوفا بودن به حزب و اجرای اوامر مافوق؛

ماده (۲۵) - تغییر و تبدیل در ماده های فوق وقتی امکان پذیر است که حداقل به تصویب دو سوم اعضای کمیته مرکزی و رهبر حزب برسد.

ص:۸۳

بسم الله الرحمن الرحیم

شرح مواد تنظیمی(۱)

ماده (۱) - حزب ملل فردی نیست و در هر محیط و زمانی به کار خود ادامه می دهد.

از یک قرن پیش احزابی در نقاط مختلف جهان به دست افرادی که ابتکار فکری داشتند تأسیس گردید، بعضی [از] آنها به هدف خود رسیدند و فعلاً- اغلب دولت های جهان را به طور ظاهر احزاب اداره می کنند؛ البته این احزاب در سازمان و تشکیلات و تاکتیک اختلاف دارند. می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱) احزاب انقلابی: - اینگونه احزاب خواهان تغییر همه جانبه زندگانی عمومی هستند و در راه این خواسته به زمان و آنچه مقتضیات زمان نامیده می شود پایبند نیستند. تاکنون کلیه احزاب انقلابی جنبه افراطی داشته و روش(۲) دیکتاتوری در پیش گرفته اند؛ علت آن است که افراد انقلابی دارای روحیه ای خشن و حساس می باشند و نمی توانند به افکار و اندیشه های دیگران توجه کنند و یا از عقاید خود حتی اندکی عدول نمایند و در نتیجه حکومت فردی و دیکتاتوری به وجود می آید. به عنوان مثال احزاب افراطی کمونیست فاشیست و نازی را می توان نام برد

ص:۸۵

۱- اصل: شرح موگد تنظیمی

۲- اصل: روشی

که شکل حکومت این قبیل احزاب تقریباً دیکتاتوری است.

۲) احزاب استحفاظی: اینگونه احزاب برنامه های خودرا طبق محیط و زمان تنظیم می کنند و می کوشند تعادل خود را با محیط حفظ نمایند، بنابراین با تغییرات کلی موافق نیستند. مانند احزاب جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا و حزب کارگر و محافظه کار در انگلستان و حزب کنگره در هند که طرز حکومت این قبیل احزاب دموکراسی است.

اما روش ما در اداره ولایات متحده اسلامی با هیچ یک از دو نوع مذکورموافق نیست. حزب ما مسلماً ضد دیکتاتوری است زیرا اسلام حتی سران حکومت را محدود به حدود قوانین خود می سازد. تنفر ما از دیکتاتوری تنها مربوط به این زمان نیست بلکه در همان اوان تأسیس دولت اسلامی به دست پیغمبر ما وجود داشته است. حضرت علی (ع) فرموده : من استبد برایه فقد هلك (هرکس در رأی خود مستبد شود هلاک خواهد شد) مولد این فکر نیز اسلام بوده است.

از طرف دیگر اغلب اصول دموکراسی با مرام ما مغایرت دارد . هدف نهایی رژیم دموکراسی که اکنون در کشو های غربی بیشتر از همه اعمال می شود، تحقق کامل حکومت مردم بر مردم است و چون پایه حکومت بر این اصل قرار دارد مردم در هرگونه کاری آزاد و مختارند؛ ربا و احتکار جایز است؛ پیروی از عقاید مخالف عقل و منطق اشکالی ندارد . بروز تفاوت های فاحش اجتماعی و پیدا شدن جمعیت های منحرف که دشمن کار و فعالیتند از نتایج استقرار چنین سیستمی است، چنانچه دردموکراسی های غربی به وضوح دیده می شود. اما در مرام ما قوانین اساسی از جانب خداوند صادر شده و همه ملزم به اطاعت از آنند. در اینجا وجود اختلاف بزرگ بین اسلام و دموکراسی مشاهده می شود. به همین جهت حزب ما در عین آن که از دیکتاتوری متنفر است نمی تواند روش دموکراسی را در پیش گیرد. کلیه قوانین ما از اسلام گرفته می شود و ما باید بدون چون و چرا آن قوانین را بپذیریم. جنبه دیکتاتوری حزب ملل و به طور کلی اسلام در این قسمت ظهور می کند. از سوی دیگر

ص:۸۶

حزب ملـل در تطبیق قوانین و تاکتیـک اجرای آنهـا، روش دموکراسـی را انتخاب کرده است. بنابراین حزب ملل(۱) دارای دو جنبه است:

دیکتاتوری است به اعتبار این که قوانین را از اسلام می گیرد و دموکراسی است بدین معنی که نحوه اداره را به دست توده ها می سپارد. بـدین ترتیب حزب ملـل و روش های تنظیمی آن از اساس با احزاب دیگر متفاوت است و تنها نامی که می توان بر آن نهاد همان روش اسلامی است.

حزب ملل توده ای

هـدف نهـایی مـا آن است که تمام توده های جهان به عضویت حزب ملل در آینـد و کلیه این اعضا در اداره حزب و پیشـرفت اجتمـاع شـرکت کننـد. به این منظور کمیته های فرعی فرهنگی شـبکه ها تمامی افکار و نظریات را با دقت کامل مورد بررسـی قرار می دهند، هر فکر و نظریه که قابل اسـتفاده باشد در برنامه های اجرایی قرارداده می شود. اصولاً حزب ملل توده ای اسـت بدین معنی که براساس یک فکر کار نمی کند بلکه این توده مردم و افکار آنها است که چرخ های سنگین آن را می چرخاند. مـا معتقـدیم که قـوای فکری و جسـمی یـک یـا چنـد نفر در هر صـورت محـدود است و اتکـاء به آن سـبب پریشـانی و از هم پاشـیدگی است. بایـد همه در پیشـرفت حزب مـا و اجرای برنـامه های آن تلاش کننـد. مردم جهانماننـد یک خانواده انـد که آخرین مـأوای آنهـا حزب ملـل است. یعنی زنـدگی براسـاس فلسـفه اسـلام آخرین راه چاره دردهای اجتماعی انسان ها است. بالاخره یک وقت، هر زمان که باشد، توده های مردم به سوی حزب ملل روی می آورند و این کاخ صـلح و صفا و سعادت را در همه جای جهان بنا می کنند.

۱- اصل: بنا را حزب ملل

بشر در هر دوره برای حفظ آرامش و امنیت و تقسیم ثروت رژیمی را به وجود آورده تا خواسته های خود را برآوَرد. این خواسته ها براساس حقیقت و عدالت بود و دوام و بقای اجتماع را تضمین می کرد. ستمگری و عدوان [...] پس از چندی، سبب واژگون شدن رژیم ها می گشت.(۱)

هیچ جای کاوش نبود. زیرا اغلب حقایق وابسته به حقوق همگانی در دادگاه شهوت محکوم می شد و از سوی دیگر وجود مجهولات بی شمار سبب از میان رفتن حقوق عده کثیری از مردم می گردید. بدین علت هر رژیم پس از چندی در نتیجه تصادم اضداد محکوم به زوال می شد و با ضربه سهمگین قطب مخالف از میان می رفت و رژیم تازه ای با افکار نوین که مخصوصاً با رژیم قبلی موارد متضاد داشته،(۲) جایگزین آن می شد.

این جنگ و جدال اضداد، هر زمان افکار گروهی از توده های جهان را پریشان می ساخت. تا زمان پیروزی یکی از آنها در دوره ماکزیمم بحران، چه بسا چرخ های اقتصادی و عمرانی کشور از کار می افتاد و مردم در بدترین شرایط زندگی می زیستند. حاصل این تجارب تلخ رژیم ناقصی است که دموکراسی نامیده می شود. این رژیم از درمان دردهای واقعی توده ها ناتوان است و در موارد بسیار درکار خود درمی ماند. چرچیل اعتراف می کند که رژیم دموکراسی بدترین شکل حکومت است.

اما در قوانین اسلام هیچ موردی نمی توان یافت که زاده شهوت باشد. هیچ موردی نمی توان یافت که از جهل سرچشمه گرفته باشد. این اعتقاد ما است. قوانین ما از منبع فطرت صادر شده و در آنجا نه شهوت و نه جهل یافت نمی شود. (۳) قوانین ما سعادت بشر را در بردارد و زمانی که

۱- اصل: ولی این خواسته ها براساس حقیقت و عدالت بود و دوام و بقای اجتماع را تضمین می کرد. با ستمگری و عدوان در برداشت و پس از چندی سبب واژگون شدن رژیم می گشت.

۲- اصل: داشته باشد

۳- اصل: میشود

همه از این قوانین اطاعت کنند اضدادی در میان نخواهد بود که ایجاد تصادم کند. بدین ترتیب رژیم اسلامی برای همیشه ودر هر مکان می تواند توده های مردم را به آرامش، کامیابی و صلح و صفا یعنی تحقق انقلاب کلی هدایت کند.

حزب ملل که تنها وسیله این انقلاب است برای تمام نسل های انسان جاودان خواهد بود. ما باید بکوشیم تا همه مردم جهان این حقیقت را درک کنند. ما باید کوشش کنیم تا آنان را به افکار انقلاب و تاکتیک وصول به آن آشنا سازیم. امروز باید طبق تعلیمات حزب ملل تربیت شویم تا بتوانیم فرزندان خود را برای این منظور آماده گردانیم. ابرام و کوشش ما در تعیین سرنوشت آیندگان اثری عظیم دارد.

ما برای ثبات حزب ملل برنامه هایی تنظیم کرده ایم که با تطبیق آنها تمام اضداد و در نتیجه تصادمات اجتماعی از میان می رود. با حصول چنین موقعیتی نسل های آینده از ثمرات انقلاب برخوردار و از بحران های اجتماعی که زندگی و تمدن آنها را تهدید کند مصون خواهند بود.

ص:۸۹

تصاویر

ص:۱۰۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹